

اینطور تمام شده است یعنی مذاکرات و گفتگوهای را که کابینه سابق لازم دانسته است با طرفهای خودش بعمل آورده است و بعد از اینکه کار را منتهی کرده است به مجلس شورای ملی پیشنهاد کرده است این کابینه حالیه هم آن پیشنهاد دولت سابق را تقاب می کند و دیگر داخل مذاکراتی که میدانند تقاب آنها هیچ فایده ندارد نمی خواهند بشوند .

رئیس - مذاکرات کافی است ماده سه خوانده میشود [بشارت ذیل از لایحه وزراء خوانده شد]

ماده سه - اسناد این استعراض از هر نوع مالیات و تخفیفی که در ایران قرار بگذارند معاف خواهد بود کمیسیون بشارت ذیل ماده مزبوره را اصلاح کرده بود .
ماده ۳ اسناد این استعراض از هر نوع مالیات و تخفیفاتی که از دیوان قرار بگذارند معاف خواهد بود .

وحدالملک - بنده میخواستم بدانم که ما می توانیم در اینها مذاکره کنیم یا اینکه نمی توانیم مذاکره بکنیم اگر میتوانیم مذاکره کنیم که بنده بعضی ایرادات را عرض میکنم

رئیس - برای همین اینجا نشسته ایم چرا نمی توانیم .

وحدالملک - چونکه آقای وزیر امور خارجه فرمودند که این مسئله تنقیح شده است و فقط مجلس باید یک تصویبی بکند به قسمی که دیگر هیچ تغییر بردار نیست و اگر واقعا این طور است که معنی است ما را می بندد و دیگر این که می خواستیم از آقای وزیر مایه سوال کنیم که از چه نظر است که این ماده در این جا نوشته شده است ما که هنوز مالیاتی برای اینگونه بلیطها و سهام وضع نکرده ایم و اگر هم مالیاتی وضع بکنیم چون این استعراض استعراض خارجه است و این بلیطها از لندن انتشار پیدا می کند و اگر هم بلیط این استعراض بیاورد و تنجه ایران از آنها بخرند باز در تحت قوانینی خواهند بود که در خارجه و در آن مجلسی که این سهام انتشار می یابد بآنها تعلق می گیرد پس در این صورت بنده این را زیاد می دانم و هیچ لازم نمی دانم بجهت این که اگر این نقطه نظر است که مالیاتی را که ما وضع می کنیم بر اینها تعلق نکند که بطوری که عرض کردم تعلق نخواهد گرفت ولی اگر یک نظر دیگری دارند آقای وزیر مایه خوب است توضیح بدهند

وزیر امور خارجه - این که آقای وحد الملک فرمودند که بنده خواستم دست و پال مذاکره را ببندم شاید اشتباه فرمودند برای این که از یک طرف نمایندگان ملت توقعشان این است که وزراء کارشان را منتهی و یا گیره کنند و وقتی که در یک مسئله همرا می و ثابت المقیده شدند آنوقت مجلس بیاورند و از طرف دیگر می خواهند ما را بعاتت تردید گذاشته باشند والا این که عرض کردم که این مسئله منتهی است یعنی پیش هیئت وزراء منتهی است

ولی اثبات شیئی نمی ماسد که نمی کند شامی توانبد در این مسئله هر طوری که بخواهید مذاکره بکنید و در اساس آنهم رای ندهید ولی در پیش هیئت وزراء این مسئله منتهی است یعنی مذاکرات رسمی شود را بعمل آورده اند و با تاجانی که می توانستند برسانند رسانیده اند آنوقت پیشنهاد کرده اند حالا در آن رای بنده پاری ندهید آن دیگر از وظیفه شورای ملی و بسته بنظر اوست ربطی به هیئت وزراء ندارد .

وزیر مایه - شرحی را که آقای وحد الملک فرمودند معلوم است که برای آینه است بجهت این که ما با مجالس سهامی نداشتیم این تا این که مالیاتی داشته باشیم ولی وقتی که ما سهام داشته باشیم در ایران هم ممکن است که معدول بشود و علاوه بعضی معاملات هم ممکن است که نسبت باین سهام شود این است که این جا قید می شود که در آینه سهام این استعراض از هر نوع مالیات و تخفیفاتی معاف خواهد بود .

رئیس - دیگر مخالفی هست (اظهاری نشد) پس شورای این جا ختم می شود حالا اگر میخواهید تقاضای فوریت بکنید تا این که رای بگیریم .

وزیر مایه - بله بنده همانطور که عرض کردم تقاضای فوریت این مسئله را می نمایم

وحدالملک - این ممکن نیست اجازه فرمائید عرض کنم

رئیس - چرا ممکن نیست فرمائید .

وحدالملک - باید دانست که این راجع می شود بیک کنتراتی مهمی که یک طرف آن خارجه است و بنده این را یکی از مهم ترین کارهایی می دانم که در مجلس ملی آمده است و خیلی سیدمی دانم از اینکه مجلس شورای ملی رای بدهد که یک همچو چیز مهمی به فوریت یعنی بیک شور از مجلس بگذرد .

رئیس - اشتباه فرمودید یک شور که الان در این مسئله شده است حالا که تقاضای فوریت میشود معنیش این است که دیگر برای شور دوم منظر نشویم پنج روز بگذرد فوراً شروع می کنیم بشور دوم .

وحدالملک - همین راهم که میفرمائید که معنی تقاضای فوریت در این موقع این است که آن شور ثانوی که باید بشود در همین مجلس شود تقریباً مثل این میشود که یک شور بگذرد برای اینکه نظریات در این مسئله همان است و فرقی نکرده است پس بنده تقاضا بکنم استعراض بکنم که این تقاضا را پذیرفته و رضی نشوند که یک چنین مسئله مهمی با این عجله و در یک مجلس بگذرد .

رئیس - خوب حالا که تقاضای فوریت میفرمائید دلایلش را هم باید فرمائید .

وزیر مایه - اگر مغارجی را که در مقابل این استعراض معین شده است و تا یک اندامهم آن روز بنظر آقایان رسیده ملاحظه فرمائید همه تصدیق خواهند فرمود که این مسئله تا چه اندازه لازم است که زودتر بگذرد علاوه بر این این یک مسئله نیست که در روز آمده باشد تا اینکه آقای وحد الملک اینطور فرمائید این یک چیزی است که مدنی است

بمجلس آمده و چندین دفعه در خارج از کمیسیونها میان و کلاه مطرح مذاکره شده است و تمام نکات آنرا ملاحظه کرده اند و ادراکش چاپ شده است و تمام رازها و بنده خواننده اند در اغلب مجالس خودم بود دیدم که مذاکرات این مطلب شده است و مطالعات فوق العاده در آن کاملاً عمل آمده است از این جهت بنده لازم می دانم که این مسئله به فوریت بگذرد .

وحد الملک - گویا آقای وزیر مایه آن ماده را که از طرف مخبر کمیسیون پیشنهاد شده است ملاحظه فرموده اند در آن ماده چنین پیشنهاد شده است که بعد از آنکه این استعراض تصویب شد دولت نمیتواند دست بوجوه این استعراض بزند تا اینکه لوایح تقاضیه مغارج آن بنظر مجلس برسد و از نظر مجلس بگذرد پس بنده به ملاحظه همین ماده این تقاضای آقای وزیر مایه را دردمیکنم و باز استعراض خود را تجدید میکنم که این مسئله را در یک جلسه و در یک روز از مجلس شورای ملی بگذرانند

وزیر مایه - آقای وحد الملک معلوم است که یکی از مواد این استعراض را ملاحظه فرموده اند که نوشته شده است بعد از این که این استعراض تصویب شد و گذشت و بانک طلب خودش را برداشت بانکی را بانک سه ماهه دیگر میتواند بدهد و حالا امروز و فردا را که میگذرانیم آن وقت سه ماه دیگر هم وقت خواهیم داد این است که بنده تصور میکنم که بیش از این طول ندهیم و کاری بکنیم که این مطلب زودتر بگذرد و فی الواقع به صراحتی که لازم است برسد .

رئیس - حالا رای می گیریم به فوریت این لایحه .

وحد الملک - شور اول این تمام نشده است برای این که یک ماده هم مخبر پیشنهاد کردند و خوانده نشد .

رئیس - آن ماده العاقی نیست ماده [واحد] است و معنی ماده واحد این است که این لایحه علیحد است رای میگیریم به فوریت این لایحه همین طوریکه آقای وزیر مایه تقاضا میکنند آقایانی که فوریت این را تصویب میکنند قیام نمایند [قیام کردند] از هفتاد نفر (۲۳) نفر فوریت را تصویب کردند پس فوریت آن زد شد .

فهم الملک - پس آن يك ماده هم خوب است شورش به عمل بیاید (بشارت ذیل خوانده شد)

ماده واحد - وجوه این استعراض در بانک باقی خواهد بود تا وقتی که لایحه راجع بخرج آن و لوایح تقاضیه از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد

محمد هاشم میرزا - بنده عقیده ام این است که این ماده طبعاً مؤخر است از استعراض و باید بعد از تصویب شدن آن خوانده بشود بجهت اینکه الان که هنوز این استعراض نگذشته است ما بطور می توانیم رای بدهیم که وجوه آن باید در بانک بماند نباید بماند .

رئیس - این هم شور اول این ماده است و

رای نخواهیم گرفت دیگر مخالفی هست اظهاری نشد پس شور این ماده هم تمام شد .

وزیر مایه - در این ماده که نوشته شده است این رجوع خرج نخواهد شد تا لوایح تقاضیه آن از مجلس بگذرد خوب است نوشته شود بعد از موضوع شدن طلب بانک که ما دیگر ضرر نفع را نکنیم .

رئیس - چون عرض کردم شور اول تمام شد بعد از تمام شدن شور دیگر نمی شود مذاکره کرد و اگر مطلبی داشتید ممکن بود در شور دیگر بفرمائید دستور امروز را بورت کمیسیون بودجه راجع به ورثه دکتر میرل بود و لایحه استعراضی این که تمام شد حالا چون مطلب دیگری در دستور نبوده است اگر مجلس موافقت داشته باشد قانون ثبت اسناد را مطرح مذاکره قرار بدهیم یا قانون استخدام را .

وزیر مایه - بنده تقاضا میکنم که قانون ثبت اسناد را در دستور بگذارید برای اینکه چیزی از آن باقی نمانده است .

رئیس - پس حالا ده دقیقه تنفس می شود بعد از آن قانون ثبت اسناد را مطرح مذاکره می کنیم .
بعد از تنفس مجدداً مجلس نیم ساعت بفریب تشکیل شد .

رئیس - قانون ثبت اسناد راجع به وادی که بکمسیون رجوع شده بود قرائت می شود بشارت ذیل از راپورت کمیسیون قرائت شد .

ماده ۱۲۸ - هر گاه اجراء اداره ثبت اسناد مستعدی را بدون تحقیق هویت اشخاص یا با عدم صلاحیت اصحاب معامله یا با علم بدم قابلیت موضوع معامله ثبت کنند از شغل خود معزول و بهیچ خدمت دولت قبول نخواهند شد علاوه از شش ماه الی یکسال مقرری دستزد از ششماه الی یکسال نسبت با اهمیت تقصیر مجروس خواهد شد .

وزیر عدلیه - اینجا (اد) نیست [آنها] است چون راجع باجاء است باید لفظ [آنها] نوشته شود .

آقا شیخ ابراهیم - ماده ۹۲ اشکالی ندارد بنده توضیح می دهم بعد رای بگیریم .

رئیس - آن ماده رد شده است میشود مجدداً ماده ۱۲۸ قرائت شد .

آقا شیخ اسدالله - این جا می نویسد یا بدون تحقیق هویت اشخاص یا با عدم علم علم یا بجهت این که این شخص علم داشته است یا علم نداشته است راجع بشخص خودش است می خواهیم بدانیم که این راز کجا می توانست فهمند که علم داشته است یا نداشته است .

آقا شیخ ابراهیم - تمام این مواد مجازات راجع است به مواد سابقه قانونها که وضع شده است برای تغلف از آن آن مجازات بوده یکی این بود که باید بداند این اشخاص صلاحیت دارند یا نه این اشخاص مجنون نیستند صنفی هستند اینها را باید

بداند هر گاه این تحقیقات را نکرد البته مسئول است اما در موضوع معامله يك ماده دیگری هم بود که هر گاه موضوع معامله مثلا وقت بوده است بیع کرده است یا این که مجهول المالك بوده است یا خالصه دولتی از این قبیل ولی این جا علم بدم صلاحیت منطاط است یعنی دانسته است وقت است مع ذالك ثبت کرده است والا ندانسته تصدیق نخواهد بود این است که این طور نوشته شده و یا همین طور نوشته شود .

حاج شیخ اسدالله - جواب عرض بنده را مغیر نمادند بنده عرض نکردم که صلاحیت یا عدم صلاحیت را از خارج تحقیق نکنند آنوقت تصدیق او ثابت نشود این يك مطلبی است که ممکن نیست لیاقت معامله را داشته باشد و این را ممکن است اقرار بکنند و آن وقت آن مطلب اسباب تصدیق مباشر ثبت میشود اینجا مینویسد هویت اشخاص با عدم علم بصلاحیت علم به صلاحیت اشخاص این از کجا معلوم میشود علم بامری است و يك کیفیت نفسانی است که راجع است بخود مباشر ثبت این مطلب را کی میتواند تحقیق بکنند که علم پیدا کرده است در حق عمل با علم پیدا نکرده است اینجا پس باید قید کنند بکطرفی برای تحصیل علم که این مطلب را معین بکنند و طریق نبوتش باید معلوم شود و طریقش هم منحصر است باقرار خودش همین قدر مینویسد که در صورت عدم علم با علم بدم این را چطور میشود فهمید میگوید من علم داشته ام باین است امروز بدم علم خودش به تصدیق خودش اقرار نمیکنند .

آقا شیخ ابراهیم - این ماده مینویسد که هر گاه سندی را آورده نباشد تحقیق کند حال سندی را ثبت کرده است بعد معمول در آمده است میگویند تحقیق کرده یا باینکه بدون تحقیق ثبت کرده اگر ندانسته این صلاحیت دارد مقصراست بگوریدند دانسته ام باز مقصر است باید بداند که صلاحیت دارد باید بداند که صغیر نیست مجنون نیست اگر نمی دانند باید تحقیق کنند هر گاه معلوم شد مجنون و مقرب بوده است نباید ثبت کند و الا معلوم شد که این شخص این معامله را کرده است صغیر و صغیر بوده است با عدم علم هم مقصراست .

وزیر عدلیه - این ماده اینطوری که نوشته شده است صحیح است لکن عبارت اگر واضح تر نوشته شود بهتر است بنده پیشنهاد میکنم که اینطور نوشته شود هر گاه اجراء اداره ثبت اسناد را بدون تحقیق صلاحیت اصحاب معامله ثبت کند اینطور دیگر هیچ شکی باقی نمی ماند بجای عبارت عدم علم بصلاحیت نوشته شود یا بدون تحقیق صلاحیت .

آقا شیخ ابراهیم - بنده عقیده ام باینکه بهتر است تحقیق نمی خواهد علم علم هم ثبت است اگر بنده این که خودش هم علم است .
رئیس - بعد در رای میگیریم اول ماده که کمیسیون رای میگیریم چون مقدم است یک مرتبه دیگر قرائت میشود (مجدداً ماده مذکور قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه با این ماده ۱۲۸ موافقت قیام نمایند (رد شد) با اصلاح وزیر عدلیه رای میگیریم آقایانیکه موافقت قیام نمایند با اکثریت چهل و هشت (رای تصویب شد)

ماده ۱۲۹ - هر گاه اجراء اداره ثبت اسناد سندی را که مفاد آن مخالف قوانین مقرر است ثبت کند از

ششماه الی یکسال از شغل خود منصرف میشوند .
حاج شیخ اسدالله - مفاد ثبت مخالف با قوانین مقرر است کدام است این ثبت اسناد همان چیزی است که ثبت میشود این مخالف با کدام قوانین مقرر است .
آقا شیخ ابراهیم - ما نباید فراموش کنیم مواد سابقه را سابقاً موادی ذکر شد که سندی مخالف قوانین مقرر ثبت نماید مثلا مثل سند قمار سند شراب سند اشیاء ممنوعه اینها را اگر ثبت کرد تصدیق کرده است و باید مجازات شود .

آقا محمد پروچردی - در این ماده می نویسد هر گاه اجراء اداره ثبت اسناد سندی را که مفاد او مخالف قوانین مقرر است ثبت کند از ششماه الی یک سال از کار خود منصرف می شود عرض می کنم ثبت کردن آن چیزی که مخالف قوانین مقرر است دو قسم است یکی سهواً است یکی عمدآ يك مرتبه ثبت بکنند و ملتفت نباشد يك مرتبه هم بداند و عمدآ ثبت کند چیزی را که عمدآ بر خلاف ثبت نماید این خیانت است و خیلی بیشتر از اینها باید مجازات شود بنده عرض می کنم در صورت خط و اشتباه هم مجازاتش کم است باید بیشتر باشد در مسئله خیانت عمدی او را نمی توانیم بگوریم شش ماه از کار منصرف شود چیزی را که عمدآ مخالف قوانین مقرر رفتار کرده است این شش ماه که قلب ماهیت او را نخواهد کرد بنده عقیده ام این است که نهایت تضییق را باید کرد باید بکلی منصرف شود در هیچ اداره راه او را نمانند .

رئیس - آقای حاج آقا گوش نمی دهید .
آقا شیخ ابراهیم - این خیانت نیست که صدمه به کسی وارد بنماید يك چیز لغوی است که مخالف قوانین مقرر ثبت کرده است خیانتی نکرده است مال کسی را نبرده است ضرری بکسی وارد نیاورده است همین شش ماه انفصال کفایت می کند .

رئیس - رای می گیریم بماده ۱۲۹ آقایانیکه موافقت قیام نمایند [با اکثریت پنجاه و سه رای تصویب شد] .

ماده ۱۳۰ - هر گاه اجراء اداره ثبت اسناد صورت ثبت یا مواد سندی را به کسانیکه در این قانون رخصت داده نشده بدهند یا خود اسنادی که نزد آنها می آورند افشاء نمایند یا مضمون آنها را بکسانیکه حق ندارند توضیحات یا اطلاعات دهند از شغل خود معزول شده و بهیچ خدمت دولتی قبول نخواهند شد .

رئیس - مخالفی نیست (پس رای می گیریم آقایانی که با این ماده ۱۳۰ موافقت قیام نمایند با اکثریت ۵۴ رای تصویب شد) .

ماده ۱۳۱ - هر گاه اجراء اداره منور تصدیقاتی بدهند که مخالف واقع باشد از شغل خود معزول شده و بهیچ خدمت قبول نخواهند شد .

حاج شیخ اسدالله - فرق است میان این که مخالف واقع و نفس الامر باشد یا يك امری بر او مشتبه شده باشد و از روی اشتباه آن کار را کرده باشد در موقعی که امر بر او مشتبه شده باشد عمدآ که خیانتی نکرده است مثلا يك وقت تصدیق هویت

یک شخصی را داده است و عقیده اش هم این است که مطابق قوانین مقرر هويت این شخص صحیح بوده بعد از تصدیق دادن معلوم شد که مخالف با واقع بوده و تصدیق واقع و نفس الامر نبوده است که او نوشته است آن شخص فوت شده است در این موقع او تصدیق نکرده است تصدیق باشهود است که سبب این شده اند تصدیق داده اند اینچنانی تصور مطلق باشد صحیح نیست بنده عقیده ام این است که کفایت این ماده را نمیکنند.

که قبول نمایند غرض اگر هیئت رتبه راهب این مسئله را بفراهمد کارها زودتر پیش می رود و حالا کمیسیون منشی ندارد.

رئیس - چون اعضاء کمیسیون عدلیه و وزیر عدلیه هم این خواهش را کرده اند اگر مجلس موافق است در جلسه آینده دو نفر بااعضاء کمیسیون عدلیه اضافه بکنیم و آقای قمی هم چون در کمیسیون بوده هستند از عضویت کمیسیون داخله استعفا دادند چون نمی توانند در کمیسیون داخله حاضر شوند برای روز شنبه یک نفر هم برای کمیسیون داخله انتخاب شود مجلس مقارن مغرب ختم شد

جلسه ۲۴۱
صورت مذاکرات روز شنبه ۲۹ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹

آقای دوتمن الملک رئیس سه ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب ببنای خود جلوس و مجلس در ساعت سه بغروب رسماً افتتاح گردید صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۷ را آقای معاضد الملک قرائت نمودند.

(غائبین جلسه قبل) بدون اجازه .
حاج وکیل الرعایا و میرزا علی اکبرخان دهخدا غائبین با اجازه معین الرعایا - نجم آبادی - غائبین از وقت مقرر حاج سید نصرالله - آقا شیخ حسین بزوی - دکتر امیرخان - ادیب التجار - نیرالسلطان هریک نیسانت - معاضد السلطنه چهل و پنج دقیقه آقا میرزا رضاخان نائینی سی و پنج دقیقه .

رئیس - ملاحظاتی هست ؟
حاج وکیل الرعایا - بنده رادریچشبه غائب بی اجازه نوشته اند و حال آنکه عریضه که تقاضای اجازه را شامل بود تقدیم شده بود میخواستم سؤال کنم که رسیده است یاخیر .

رئیس - رسیده است و چندین مرتبه هم عرض کردم که این قبیل مطالب باید در اداره مباشرت اظهار شود راجع اینها نیست دیگر معافی نیست (اظهاری نشد) کافعی از وزارت مالیه رسیده است راجع به اجازه واستجاره املاک دولتی قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) .

مجلس شورای ملی در موضوع اجازه واستجاره ملاحظه اینکه از فرار معلوم بعضی از نمایندگان معترضین مسئله را از قبیل نقل و انتقال تصور نموده . موجب اصل بیست و دوم قانون اساسی از مختصات مجلس شورای ملی دانسته اند وزارت مالیه چون غالباً دچار اشکالات این مطلب است بلا تکلیف مانده است و نظر به نص قانون اساسی که تفسیر قوانین با مجلس است بوسیله این مشروحه دقت نظر نمایند گان محترم و اباین مطلب جلب مینماید و بقوت تقاضا دارد که در مجلس مذاکرات لازمه در این باب فرموده و مقرر فرمائید کمیسیون تفسیر این ماده را تفسیر نموده و ضمناً تکلیف وزارت مالیه را معین فرمائید که آیا بالاخره وزارت مالیه شخصاً میتواند متصدی این امر بشود و نظر به مسئولیتی که دارد ممکن است ایشانرا قطع و فصل نماید با اینکه جزئیات مطلب را باید بمجلس شورای ملی پیشنهاد نموده کسب اجازه نماید و در خانه این مطلب را هم متذکر و یاد آور میشود که در موضوع هر اجازه واستجاره (مثلاً در موقع اجازه دادن یک دکان یا فلان قطعه زمین متعلق بدولت) اگر بخواهد تحصیل رای از نمایندگان محترم نماید باعث تصبیق اوقات

آقای دوتمن الملک رئیس سه ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب ببنای خود جلوس و مجلس در ساعت سه بغروب رسماً افتتاح گردید صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۷ را آقای معاضد الملک قرائت نمودند.

(غائبین جلسه قبل) بدون اجازه .
حاج وکیل الرعایا و میرزا علی اکبرخان دهخدا غائبین با اجازه معین الرعایا - نجم آبادی - غائبین از وقت مقرر حاج سید نصرالله - آقا شیخ حسین بزوی - دکتر امیرخان - ادیب التجار - نیرالسلطان هریک نیسانت - معاضد السلطنه چهل و پنج دقیقه آقا میرزا رضاخان نائینی سی و پنج دقیقه .

رئیس - ملاحظاتی هست ؟
حاج وکیل الرعایا - بنده رادریچشبه غائب بی اجازه نوشته اند و حال آنکه عریضه که تقاضای اجازه را شامل بود تقدیم شده بود میخواستم سؤال کنم که رسیده است یاخیر .

رئیس - رسیده است و چندین مرتبه هم عرض کردم که این قبیل مطالب باید در اداره مباشرت اظهار شود راجع اینها نیست دیگر معافی نیست (اظهاری نشد) کافعی از وزارت مالیه رسیده است راجع به اجازه واستجاره املاک دولتی قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) .

مجلس شورای ملی در موضوع اجازه واستجاره ملاحظه اینکه از فرار معلوم بعضی از نمایندگان معترضین مسئله را از قبیل نقل و انتقال تصور نموده . موجب اصل بیست و دوم قانون اساسی از مختصات مجلس شورای ملی دانسته اند وزارت مالیه چون غالباً دچار اشکالات این مطلب است بلا تکلیف مانده است و نظر به نص قانون اساسی که تفسیر قوانین با مجلس است بوسیله این مشروحه دقت نظر نمایند گان محترم و اباین مطلب جلب مینماید و بقوت تقاضا دارد که در مجلس مذاکرات لازمه در این باب فرموده و مقرر فرمائید کمیسیون تفسیر این ماده را تفسیر نموده و ضمناً تکلیف وزارت مالیه را معین فرمائید که آیا بالاخره وزارت مالیه شخصاً میتواند متصدی این امر بشود و نظر به مسئولیتی که دارد ممکن است ایشانرا قطع و فصل نماید با اینکه جزئیات مطلب را باید بمجلس شورای ملی پیشنهاد نموده کسب اجازه نماید و در خانه این مطلب را هم متذکر و یاد آور میشود که در موضوع هر اجازه واستجاره (مثلاً در موقع اجازه دادن یک دکان یا فلان قطعه زمین متعلق بدولت) اگر بخواهد تحصیل رای از نمایندگان محترم نماید باعث تصبیق اوقات

آقای دوتمن الملک رئیس سه ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب ببنای خود جلوس و مجلس در ساعت سه بغروب رسماً افتتاح گردید صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۷ را آقای معاضد الملک قرائت نمودند.

(غائبین جلسه قبل) بدون اجازه .
حاج وکیل الرعایا و میرزا علی اکبرخان دهخدا غائبین با اجازه معین الرعایا - نجم آبادی - غائبین از وقت مقرر حاج سید نصرالله - آقا شیخ حسین بزوی - دکتر امیرخان - ادیب التجار - نیرالسلطان هریک نیسانت - معاضد السلطنه چهل و پنج دقیقه آقا میرزا رضاخان نائینی سی و پنج دقیقه .

رئیس - ملاحظاتی هست ؟
حاج وکیل الرعایا - بنده رادریچشبه غائب بی اجازه نوشته اند و حال آنکه عریضه که تقاضای اجازه را شامل بود تقدیم شده بود میخواستم سؤال کنم که رسیده است یاخیر .

جلسه ۲۴۱
صورت مذاکرات روز شنبه ۲۹ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹

مجلس و عدم حسن جریان امور خواهد بود .
وزارت مالیه
رئیس - در سابق مذاکره این خیلی شده است حالا اگر مخالفی نیست بفرستیم بکمیسیون تفسیر.
معزز الملک - بنده مخالف نیستم فقط می خواستم عرض کنم در این باب یک طرح قانونی دیگر هم هست که باید کمیسیون قوانین مالیه زودتر راپورت آنرا بدهد .

رئیس - جای مذاکره گویا نیست پس میفرستیم بکمیسیون تفسیر و دیگر یک کافعی هم از طرف مالیه رسیده است در خصوص دورشته فئات در نزد ابراهیم میفرستیم بکمیسیون بودجه دستور امروز هم راپورت کمیسیون بودجه است راجع به امتداد سیم تلگراف بخونسار و گلبانگان از عراق خوانده می شود .

(راپورت کمیسیون بودجه بمضمون ذیل قرائت شد) .
بتاریخ ۱۵ ربیع الثانی در کمیسیون بودجه در لایحه وزارت پست و تلگراف بانضمام راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع بامتداد خط تلگراف از عراق بگلبانگان و خونسار و معلات مطرح گردیده در خصوص نموده آقایان آقا میرزا محمد مهدی و حاج شیخ اسدالله راجع به تیر و عمه این خط که از خود میجانی حاضر شده بدهند مذاکرات لازمه بعمل آمده بصلاحاتی کمیسیون بودجه این تمهید را لازم ندانسته و عقیده داشت آنچه مختار لازم است باید از طرف دولت بشود مجدد وزارت پست و تلگراف کلیه مخارج امتداد این خط را از سیم کشی و عمله و تعمیر پیشنهاد نموده نظر بوزیر و تأسیس تلگراف در نقاط مزبور از جهت تجارت و رفاهیت اهالی کمیسیون بودجه با کثرت آراء مطابق پیشنهاد وزیر ماده ذیل را تصویب می نماید .

ماده ۱۳۲ - هر گاه اجزای اداره مزبور سندی را که نزد آن ها تودیع شده نیاز کنند از شغل خود منصرف میشوند و هر گاه خود یا مضمون سند را بکسانی که حق ندارند ارائه یا افشاء کنند مجازات مقرر در ماده ۱۳۰ در حق آن ها جاری خواهد شد .

آقای میرزا ابراهیم خان - در ماده ۱۳۰ می گوید از شغل خود منزول شده و بهیچ خدمت قبول نخواهد شد همینطور در این ماده باز افضال از شغل را مجازات قرار می دهد در تقصیر اولی و در تقصیر دومی باز رجوع بنده ۱۳۰ میکند در صورتی که هر دو یک مجازات است و بنده این مجازات هارا منصرفیاد می دانم .

آقای میرزا ابراهیم - شاید اشتباه شده است مقصود آن ماده است از سه سال تا چهار سال حبس معین شده است چون این خیانت بزرگی است مقصود آن ماده ۱۳۰ اولی است که بملاوه از آن مجازات مدتی هم حبس میشود .

آقای میرزا ابراهیم - این ماده که این جا زیاد مذاکره شد اول مجازاتش فرار داده شده بود از دو سال الی چهار سال حبس و بعد ما در کمیسیون مذاکره کردیم همچو صلاح دانستیم با آقایان که از شش ماه الی یکسال کسر مقرر می باشد هر قدر مثلا

حاج سید ابراهیم - عرض می کنم در این مواد اگر ملاحظه بکنیم در مجازات مقصود این است که باید بدانیم که این خیانتی را که می کند یک مجازاتی از برای ایشان معین کنیم تا اینکه این واسطه جلوگیری از خیانت آن

حاج سید ابراهیم - عرض می کنم در این مواد اگر ملاحظه بکنیم در مجازات مقصود این است که باید بدانیم که این خیانتی را که می کند یک مجازاتی از برای ایشان معین کنیم تا اینکه این واسطه جلوگیری از خیانت آن

(اسامی اشخاصی که تصویب نموده اند)
خیابانی . زنجانی . صدرالعلماء . معتد -
التجار . ادیب التجار . دکتر رضاخان . شیبانی
آقا سید حسین اردبیلی . وحید الملک . دکتر حیدر میرزا . ابوالناسم میرزا . آقا محمد بروجردی .
انتخار الواعظین . گزازی . آقا سید جلیل .
نجم آبادی . معاضد السلطنه . حاج نیرالملک .
انتظام الحکماء . منتصر السلطان . معزز الملک
آقا میرزا رضا خان نائینی . آقا میرزا رضای مستوفی . آقا میرزا مرتضی قلیخان . معمل الدوله
نیرالسلطان . حاج میرزا رضاخان . حاج سید ابراهیم . نیرالملک . آقا شیخ غلامحسین . ضیاء -
الممالک . مشیر حضور . تربیت . دهخوداقلی -
محمد هاشم میرزا . حاج شیخ الرئیس . آقا شیخ علی شیرازی . آقا سید حسن مدرس . حاج سید نصرالله . حاج مصدق الممالک . نقاشی . معاضد الملک . آقا میرزا ابراهیم خان . آقا میرزا داود خان . دکتر امیرخان . معین السلطنه . دستکتر علی خان . رکن الممالک . فهم الملک . لسان -
الصحکاء . دکتر اسمعیل خان . آدینه محمدخان هشتروندی . آقا سید محمدباقر ادیب . ذکاء الملک
حاج وکیل الرعایا . مسوات . علی زاده . آقا میرزا احمد . حاج شیخعلی خراسانی . اسدالله خان کردستانی . نواع الدوله . ارباب کبشرو . بهجت حاج شیخ اسدالله . آقا میرزا ابراهیم قمی ناصرالاسلام .

رئیس - قانون ثبت استاد قرائت میشود از ماده ۱۳۲ .
ماده ۱۳۲ - هر گاه اجزای اداره مزبور سندی را که نزد آن ها تودیع شده نیاز کنند از شغل خود منصرف میشوند و هر گاه خود یا مضمون سند را بکسانی که حق ندارند ارائه یا افشاء کنند مجازات مقرر در ماده ۱۳۰ در حق آن ها جاری خواهد شد .

آقای میرزا ابراهیم خان - در ماده ۱۳۰ می گوید از شغل خود منزول شده و بهیچ خدمت قبول نخواهد شد همینطور در این ماده باز افضال از شغل را مجازات قرار می دهد در تقصیر اولی و در تقصیر دومی باز رجوع بنده ۱۳۰ میکند در صورتی که هر دو یک مجازات است و بنده این مجازات هارا منصرفیاد می دانم .

آقای میرزا ابراهیم - این ماده که این جا زیاد مذاکره شد اول مجازاتش فرار داده شده بود از دو سال الی چهار سال حبس و بعد ما در کمیسیون مذاکره کردیم همچو صلاح دانستیم با آقایان که از شش ماه الی یکسال کسر مقرر می باشد هر قدر مثلا

حاج سید ابراهیم - عرض می کنم در این مواد اگر ملاحظه بکنیم در مجازات مقصود این است که باید بدانیم که این خیانتی را که می کند یک مجازاتی از برای ایشان معین کنیم تا اینکه این واسطه جلوگیری از خیانت آن

حاج سید ابراهیم - عرض می کنم در این مواد اگر ملاحظه بکنیم در مجازات مقصود این است که باید بدانیم که این خیانتی را که می کند یک مجازاتی از برای ایشان معین کنیم تا اینکه این واسطه جلوگیری از خیانت آن

حاج سید ابراهیم - عرض می کنم در این مواد اگر ملاحظه بکنیم در مجازات مقصود این است که باید بدانیم که این خیانتی را که می کند یک مجازاتی از برای ایشان معین کنیم تا اینکه این واسطه جلوگیری از خیانت آن

حاج سید ابراهیم - عرض می کنم در این مواد اگر ملاحظه بکنیم در مجازات مقصود این است که باید بدانیم که این خیانتی را که می کند یک مجازاتی از برای ایشان معین کنیم تا اینکه این واسطه جلوگیری از خیانت آن

حاج سید ابراهیم - عرض می کنم در این مواد اگر ملاحظه بکنیم در مجازات مقصود این است که باید بدانیم که این خیانتی را که می کند یک مجازاتی از برای ایشان معین کنیم تا اینکه این واسطه جلوگیری از خیانت آن

ها بشود اگر خلاف نبی کذب که هیچ درباره شان جاری نخواهد شد پس ما نباید مجازات را سخت بکنیم تا اینکه مرتکب نشود در این ماده بنده می بینم آنکس که دو خیانت کرده است و آنکس یک خیانت کرده است هر دو را یک مجازات بپوشیم معین کرده اند مثلا آن اشخاصی که اسماست را باز کرده است در حقیق نوشته است که از شغل خود منصرف می شود و آن شخص هم که بدبگری که حق ندارد مطلب را افشاء کند باز همان خواهد بود یعنی از شغل خود منصرف می شود یعنی یکی خیانت در حمل و نقل و یکی خیانت اینکه بکسی اطلاع داده است در صورتی که نباید اطلاع بدهد یک طور مجازات می شوند و در این جا بنده پیشنهادی کرده ام که حبس هم برای این مقرر است بفرمائید بخوانند .

آقای میرزا ابراهیم - تقصیر اول تنها مستلزم حبس نیست خودش باز کرده است امانت مردم را تصدیق دوم این است که باز کرده و مضمونش را بکسانی دیگر گفته است یا بکسی دیگر ارائه داده است این با اول تفاوت دارد در اولی از شغل خود منزول می شود و در دومی از شغل خود منزول می شود بملاوه هم حبس می شود .

آقای میرزا ابراهیم - انفصال از شغل دائمی که در هیچ خدمت دولتی قبول نشود بنده تصویب نمی کنم این را بهمان طور حبس و یک جریمه مقرر بدارند بیک ملاحظه اولویت دارد بجهت اینکه قصاص بیشتر از نظیر خیانت است ممکن است پس از قصاص داخل یک خدمتی شود و تحصیل یک معاش بکند و اگر بهیچ خدمت دولت قبول نشود این تقریباً قطع مقوم است و قطع معاش .

آقای میرزا ابراهیم - خیانت و دزدی امری است که از هر کس ناشی شد باید در اداره دولتی نمائند آن مجازات زیاد اش راجع دارند بگوئید ولی آن مجازات لازمه خیانت است شهبه ندارد در اداره نباید بانی بماند بجهت اینکه خائن را نمیتوان در اداره نگاهداشت .

آقای میرزا ابراهیم - در آن ماده آقای حاج سید ابراهیم یک اصلاحی پیشنهاد کرده است قرائت میشود در ماده ۱۳۲ چون در صورت افشای سندی مضمون آن علاوه بر خلاف قانون خیانت در امانت هم شده بنده پیشنهاد می کنم که در آخر ماده این عبارت افزوده شود بملاوه از شش ماه الی یکسال حبس خواهد شد (ابراهیم الموسوی)

حاج سید ابراهیم - آقای مخبر چون یک بیانی کردند که بنده ۱۳۰ پیش مثال میزنم که این مجازات در آنجا هم است ولی اگر نیست بنده عرض می کنم که اگر ملاحظه یین را بکنیم گمان می کنم که مجازات آن کسی که باز کرده است و مضمونش را بدبگری گفته است البته باید مجازاتش بیشتر از آن کسی باشد که باز کرده ولی بدبگری ابراز نداشته است و گمان می کنم که این مدت حبس صیب نداشته باشد .

آقای میرزا ابراهیم - این ماده که این جا زیاد مذاکره شد اول مجازاتش فرار داده شده بود از دو سال الی چهار سال حبس و بعد ما در کمیسیون مذاکره کردیم همچو صلاح دانستیم با آقایان که از شش ماه الی یکسال کسر مقرر می باشد هر قدر مثلا

حاج سید ابراهیم - عرض می کنم در این مواد اگر ملاحظه بکنیم در مجازات مقصود این است که باید بدانیم که این خیانتی را که می کند یک مجازاتی از برای ایشان معین کنیم تا اینکه این واسطه جلوگیری از خیانت آن

حاج سید ابراهیم - عرض می کنم در این مواد اگر ملاحظه بکنیم در مجازات مقصود این است که باید بدانیم که این خیانتی را که می کند یک مجازاتی از برای ایشان معین کنیم تا اینکه این واسطه جلوگیری از خیانت آن

یکسال حبس حالا باین هم رای داده نشده این ماده هم بینه مثل او است آن خیانتی است این هم خیانتی است بجهت اینکه این خیانت کرده سند مردم را ارائه داده افشاء کرده است آن هم این است که سند معکو کی مزوری را ثبت کرده است هر دو اینها باید مجازاتش یکسان باشد و گویا آن ماده هنوز نگذاشته است بنده نبودم گویا بعضی پیشنهاد ها شده است و برگشته است بکمیسیون حالا اگر مذاکره بکنید این را نام می کنیم آنرا هم تمام بکنیم والا برمی گردد بکمیسیون .

وزیر عدلیه - بنده تقاضای کنم که این ماده برگردد بکمیسیون که با آن ماده که سابق برگشته است به کمیسیون یک مرتبه بپایند به مجلس .

رئیس - مخبر این تقاضا را قبول دارند **زنجانی** - بنده هم تقاضا می کنم که برگردد بکمیسیون **رئیس** - تقاضای مخبر بر میگردد بکمیسیون باصلاح حاج سید ابراهیم

ماده ۱۳۳ - هر گاه اجزاء اداره مزبور وجه تیرت را زیاد بر مقدار که قانوناً مرخصند نگاه داشته بخرانه عاید ندارند بقدر آن چه زاید نگاه داشته روی آن گذاشته بخرانه دولت تسلیم کنند .

آقای سید حسن مدرس - این جا گویا یک لفظی ما گفته ایم سهوشده است و یک لفظ دیگری بجای او گذاشته شده است یعنی (از مقرر خود) روی آن درجه بگذارد دعوی بجای (از مقرر خود) لفظ (بخرانه عاید) نوشته شده است

رئیس - مجدداً با همین اصلاح آقای مدرس قرائت میشود .
ماده ۱۳۳ - هر گاه اجزای اداره مزبور وجه تیرت را زیاد بر مقدار که قانوناً مرخصند نگاه داشته بخرانه عاید ندارند بقدر آنچه زاید بر قدر قانونی نگاه داشته اند از مقرر خود روی آن گذاشته بخرانه دولت تسلیم کنند .

حاج وکیل الرعایا - تصور می کنم که این ماده اجازه بدهد که بول دولت را نگاه بدارد منتی اینست که او را مجبور میکنند یک چیزی روی آن بگذارند آنهم یک اشکال دیگری است مانع شرعی دارد بتوان فرغ پیدا خواهد نمود شما می گوئید که فرغ نیست ولی من صیغه که فرغ را حلال بکند سراغ ندارم این جا که حرف است یکی این که این زیادتی که روی آن میگذازد بقیبنا فرغ است و یکی دیگر اجازه می دهد که بول دولت را نگاه بدارد عجلتاً این دو عیب را بنده این جا می بینم و حال آنکه گمان میکنم یک همچو اجازه خوب نباشد باو بدهیم برای نگاه داشتن بول دولت .

آقای میرزا ابراهیم - اما آنچه را که می فرمائید که رخصت داده ایم که یک جریمه یا فندری روی آن بگذارند این قدر قانونی است که مقرر میکنند کسانی که مال دولت پیش آنها جمع می شود در زیاد از صد یا پنجاه تومان نگاه بدارد مقصود هر قدر مثلا

حاج سید ابراهیم - عرض می کنم در این مواد اگر ملاحظه بکنیم در مجازات مقصود این است که باید بدانیم که این خیانتی را که می کند یک مجازاتی از برای ایشان معین کنیم تا اینکه این واسطه جلوگیری از خیانت آن

بنتومان اضافه نگاه داشت باید مقابل آن اضافه رویش بگذارد و بدهد و آنچه هم که فرمودید که این قرع است خیر نوع نیست این را اول استخدام او بر تالی این قانون اورا استخدام میکنند می گویند این قانون بخوان و بر تالی این قانون هر گاه قبول دارید مستخدم باش و هر گاه قبول ندارید برو می کارت اگر قبول کرد او را مستخدم میکنند و اگر قبول نکرد طرد میکنند او را این چه اشکالی دارد ؟

رئیس - گمان میکنم مذاکرات کافی باشد [اظهار شد کافی است] رای می گیریم بماده ۱۲۳ بقرئیس که خوانده شد آقایانی که موافقت قیام نمایند - با کثرت ۵۱ رای تصویب شد .

ماده ۱۲۴ - هر گاه اجزاء اداره مزبور وجهی ثبت را عمدتاً کمتر از تعرفه اخذ نمایند در دفعه اول دومقابل آنچه کسر گرفته اند در دفعه دوم سه مقابل و در دفعه چهارم چهارم مقابل آن بجز آنکه باید عاید دارند در دفعه چهارم علاوه بر ترتیب مقرر در دفعه سوم ارزش خود منفصل میشوند .

آقای سید حسن مدرس - اینجا هم باز محتاج الیه همان لفظ مقرر است (اظهار شد صحیح است) باین نوشته شود که دومقابل و سه مقابل و چهارم مقابل از مقرر خود بجز آنکه عاید دارد .

وزیر عدلیه - این جا که نوشته شود از مقرر در اگر چه در کبسیون خیلی مذاکره شده است در دفعه دوم و سوم که چهارم مقابل باید بدهد آنوقت چه باید کرد .

حاج سید ابراهیم - بله بنده هم خواستم همین را عرض بکنم که اگر این قصیر در اول ماه استخدام او باشد که روز یک مدتی نگذشته که مواجش را مستحق باشد از کجا آنوقت این مقرر را عوض مجازات بدهد خصوص آنکه در مورد چهارم که میگوئیم باید منفصل شود این را خوبت درست توضیح بفرمایند .

آقای خلی شیرازی - عرض میکنم اینهم خودش یک خیانتی است مثل دزدی بواسطه اینکه کمتر از حد مقرر پول گرفته است و در حقیقت دزدی و خیانت بدست کرده است چونکه از کسی حمایت کرده است و تصبیح حقون دولت کرده مال او را بدیگری داده است و قبیحه اینطور شد باعتقاد بنده باید مجازاتش اینطور باشد که در دفعه اول چنین کسی منفصل شود از خدمت دولت همانطور که سایر خائن ها منفصل میشوند .

آقای سید حسن مدرس - عرض کنم خدمت آقایان این نظر است که در دهم آقایان است جادارد همه جا حبس نشود حبس باید مناسبتی داشته باشد با آن کاری که کرده است اینجاست مناسبتی ندارد لهذا باید مجازات دیگر برایش معین کرد و این نظر من در اینجا اینطور رسید است که اتصال فها امکان مانی ندارد الا اینکه از مقرریش هم بگیرند چنانچه فرمودند در بعضی از موارد مقرر نشدند ولی اگر ملاحظه کنند غالباً مقرر و موجود است در افراد نادر هم بعد از این خدمت از او میگیرند و در مورد دیگر هم نظیرش را داریم که اگر صد تومان از یک

کسی طلب داریم و چیزی ندارد که بدهد او را میآوریم بخدمتی را میآوریم که بعد از این بیای او حساب کنیم پس جانی که مقرر دارد از او میگیرند و در بعضی از موارد که مقرر ندارد ممکن است و در بعضی خدمت دیگر که او را میآوریم از مقرریش کم میکنند .

آقای شیخ رضا - بنده سابقاً عرض کرده بودم که در جریبه از مال خودش میشود گرفت تا اینکه با آقای مدرس و امام جمعه سابقاً هم صحبت شد یک راه شرمی هم دارد اگر هم نداشته باشد با اینکه دارد و تصدیق کردند عرض میکنم آن اشکالی که در جریبه میشود آن اشکال چند نام صورت ندارد که برای از مقرر میکنند هیچ حرفی ندارد بجهت اینکه آن مقرر را که تصور میکنم از مال او است منتهی یک مالی است که هنوز بیکس از برفته است چیزی له مال او است چه مقرر باشد یا از جای دیگر کسر کرده باشند هیچ فرق نمیکند اگر جریبه را جایز نیندازند چه از مقرریش کسر بکنیم چه از جای دیگر کسب کرده باشد بکنیم هیچ فرق ندارد و قبیحه فرق نداشت با بکسب باینکه باینکه جریبه را بکنیم یا اگر راهی است در هر قسم مالی جایز است این را باقیام مذاکره شد که جریبه در تمام اموال مستخدمین یک راه شرعی باید جایز باشد .

آقای سید حسن مدرس - این جریبه ظاهراً استعمالش در اینجا بی مورد است و در این مورد نظیرش اینست که من یک نوری میگیرم میگویم اگر چنی را حرب دم کردی یک تومان بپوشیدم اگر خوب دم کردی نیدم اینجا هم اینطور است این دخلی بگریه ندارد مقرر ثبت اگر این خدمت را درست نکرد مامردی باو نیدم نه اینکه چیزی از مال او بگیریم .

آقای شیخ ابراهیم - اگر این مدانه ما را بکنیم اشکال خیلی است من میخواهم اشکالات بکنم در اول شرط کردیم که مقرر و از کس کنیم نیدیم و چقدر کم گرفته است یک فران کم گرفته باینکه تومان از اول نماندیم ولی اینقدر را که در اینجا نوشته ایم باین ترتیب متعهد شده که مستخدم شود باین معنی می گوئیم آقا تو اینجا اگر بخواهی مستخدم شوی عمل ما از روی این قانون سر تا پای خواهد شد هر وقت تو بخواهی این اندازه از مال دولت را در نزد خود نگاهداری از مقرر تو کسر خواهیم کرد بهمان اندازه که نگاه داشته باین ترتیب رضی هستی بیا مستخدم بشو والا فلا اوم رضی شده است آمده مستخدم شده اگر چه معلوم نیست که او چه قدر آنجا خواهد داد ولی باین ترتیب که خود را راضی شده است ما هم میتوانیم باین ترتیب با او رفتار نمائیم نظر باینکه او خودش باین ترتیب راضی و داخل خدمت شده است مقرریش پیشهاد کردیم .

وزیر عدلیه - وجه الضمانه سابق که در لایحه وزارت آمده بود و آن وجه الضمانه که از برای مباشرین همین شده بود در میان رفت و رای داده شد و وجه الضمانه گرفته نخواهد شد بعد اینهم که مقتضی شد آنطوریکه آقا میفرمایند شاید آنطور شود در این صورت بنده این ماده را کافی میدانم

و باید دقت نظری بشود در این مطلب زیرا این مجازات کامل نیست برای مباشرین ثبت و انتظام اداره و نمیتوان انتظام اداره را تضمین کرد .

آقای شیخ ابراهیم - بنده عرض می کنم که اشکال اگر در لفظ مقرر است حالا فرض کنید که آن کلمه را ترک کرده ایم این مجازات که برای این معین شده است مناسب است و همینطور هم باید باشد هر مقداری که گرفته است دفعه اول دومقابل و در دفعه دوم سه مقابل و در دفعه سوم چهارم مقابل دیگر برای این حبس نخواهد شد در دفعه چهارم این را میبدهد علاوه هم از شش خارج می شود چرا بجهت اینکه معلوم شد دو سه دفعه با او مدارا کردند در دفعه چهارم باید منفصل شود و باینه برای این حبس را بنده لازم میدانم .

وزیر عدلیه - بنده هم کافی میدانم در صورتی که یک چنین جمله اضافه شود - هر گاه مقرر او کفایت نمایند از مالیه خودش بر دارند .

رئیس - پس باین جمله اضافه میشود و رای میگیریم (بهدورت ذیل فراتت شد مجدداً با جمله اضافیه) هر گاه اجزاء اداره مزبور وجهی ثبت را عمدتاً کمتر از تعرفه اخذ نمایند در دفعه اول دومقابل آنچه کسر گرفته اند و در دفعه دوم سه مقابل و در دفعه سوم چهارم مقابل آن از مقرر خود بجز آنکه عاید دارند و در دفعه چهارم علاوه بر ترتیب مقرر در دفعه سوم ارزش خود منفصل میشوند و هر گاه مقرر او کفایت نشاید تنه از دارائی او عاید خواهد شد .

آقای شیخ ابراهیم - اگر این جمله لازم است پس لفظ مقرر را حذف بکنیم بجهت اینکه وقتی که لفظ مقرر و این جمله را حذف کنیم بر میگردد بدالت اولی و این را میسراند .

رئیس - تفاوت نمیکند اصل مطلب را قبول میکنند یا نمیکند .

آقای شیخ ابراهیم - بلی صحیح است .

رئیس - پس همان عبارت اولی فراتت میشود بدون لفظ از مقرر خود .

آقای سید ابرو جردی - بنده عرض میکنم لفظ از مقرر خود را لازم ندارد و این کلمه از مال شخصی او عاید دارند هیچ دلیل و مجوزی ندارد و او را عرض می کنم بجهت اینکه از مالیه او آنقدر باید روی آن بگذارد یک مبلغ خطیری که احتمال دارد هزار تومان دو هزار تومان بشود این جا بنده عقیده ام این است که هیچ حاجت بقمارش و مجازات ندارد باید سفارش کرد در آن جا که علاوه نگیرد والا ممکن نیست که کمتر بگیرد هیچ وقت نمی شود که مباشر ثبت کمتر بگیرد و نادر اتفاق می افتد که او مقرریش نداشته باشد که از مال شخصی او نگیرند .

آقای سید حسن مدرس - بلی این طور است که فرمودند یک عرض بود در این و همچنین این تصویری را که میفرمائید نادر است و بنده هم عرض کردم اگر چنین احتیاجی هم باشد یک ماه دیگر مستخدم است و اینکه آقای وزیر پیشهاد اضافه کردند از مالیه او عاید دارند این هیچ صورت ندارد و بنده

هیچ صحیح نمی دایم و رای نیدم و اگر لازم می دانند که بر گرد بکنیم بیون .

وزیر عدلیه - اگر بر گردد به کبسیون عرضی ندارم .

آقای شیخ ابراهیم - بلی بر گرد بکنیم بیون .

رئیس - پس این ماده بر می گرد بکنیم بیون .

ماده ۱۳۵ فراتت میشود

ماده ۱۳۵ - هر گاه معلوم شود یکی از اجزای اداره مزبور بعد از اخذ حقوق دولت تمام یا قسمتی از آن را پنهان کرده از شغل خود معزول شده بهیچ خدمت قبول نمی شود علاوه از شش ماه الی یک سال معبوس می شود (اظهار مخالفتی نشده)

رئیس - رای می گیریم بماده ۱۳۵ آقایانی که موافقت قیام نمایند (با کثرت ۳۷ رای تصویب شد)

ماده ۱۳۶ - هر گاه یکی از اجزای اداره مزبور علاوه بر تعرفه وجهی اخذ کرده و بحساب دولت نیاورد از خدمت خود معزول و بهیچ خدمت دولتی قبول نمی شود علاوه از شش ماه الی یک سال مقرر او مسترد و یا از شش ماه الی یک سال معبوس می شود و اگر زیاده بحساب دولت آورده آن زیاده بحسابش مسترد شده و مرتکب بواسطه غفلت موافق ماده ۱۳۸ مجازات خواهد شد .

رئیس - آقای حاجی سید ابراهیم در این ماده پیشنهادی کرده اند خوانده میشود (عبارت ذیل فراتت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱۳۶ اینطور نوشته شود - هر گاه کسی از اجزای اداره ثبت اسناد علاوه بر تعرفه وجهی اخذ کرده و بحساب دولت نیاورد از خدمت معزول و بهیچ خدمت دولتی قبول نمی شود و از شش ماه الی یکسال حبس خواهد شد و اگر زیاده بحساب دولت آورده آنچه زیاده اخذ کرده بحسابش مسترد و از شش ماه الی یکسال مقرر او مسترد و در دفعه اول مساوی آنچه زیاده اخذ کرده و در دفعه دوم دو مقابل در دفعه سوم سه مقابل بجز آنکه دولت تسلیم و در دفعه چهارم علاوه بر ترتیب مقرر در دفعه سوم ارزش خود بکلی منفصل و بهیچ خدمت دولتی قبول نخواهد شد .

حاج سید ابراهیم - عرض میکنم که بکدامت پیش ذکر شد که اگر حقوق دولت را کمتر بگیرد یعنی آنچه را که دولت معین کرده اند آنرا اخذ نکند نسبت با کمتر کمتر در دفعه اول دومقابل در دفعه دوم سه مقابل در دفعه سوم چهارم مقابل از او میگیرند و بنده مسترد و علاوه در مرتبه چهارم معزول هم خواهد شد یعنی آنوقت تصبیح حقوق دولت را کرده بود حالا تصبیح حقوق ملت را کرده زیاده روی کرده است و در اینجا باید مجازات او را خیلی سخت تر کرد که بگیرند بجهت اینکه باید رعایت حال ملت را کرد که مجازات اجزاء ثبت اسناد زیاد بگیرد خیلی باید ملاحظه کرد و مجازات او را سخت کرد که از مردم زیاده از مقدار آن تعرفه نگیرد بملت اینکه اگر آن زیاده را بحسابش رد کرد موافق ماده ۱۳۸ مجازات خواهد شد و در دفعه اول توبیخ و ملامت کتبی و در دفعه دوم توبیخ و ملامت کتبی باقی در دفعه سوم شش ماه از خدمت منفصل میشوند .

رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهار کردند غیر)

رای میگیریم بماده ۱۳۷ آقایانی که موافقت قیام

عرض میکنم هر قدر که از مال دولت از آنجا کم گرفته حالا که در اینجا از ملت بیشتر میگیرد عکس آن است و علاوه ظلم میکند بر ملت باید مجازاتش هم بیشتر باشد .

آقای شیخ ابراهیم - زیاده از مردم گرفتن با این است که زیاده گرفته اند که بخورد این مجازاتش همین شده است و باید مجازات دزدی در حق او بشود با این است که زیاده گرفته است و خودش هم نخورده بلکه بدولت داده این میشود غفلت دزدی نمی شود غیر از غفلت نیست والا دیوانه که نیست و باید مجازاتی که برای غفلت معین شده باو بدهند اول غفلت اخطار دوم قید در ورقه سیم توبیخ و ملامت چهارم و بعد از آن هر دفعه کسری مقرر یگانه آن را والا عمداً بگیرد و خودش هم نخورده باشد و بدولت بدهد این هیچ قصوری ندارد .

حاج سید ابراهیم - نهایت اگر لفظ ما را زیاد کنند خوست والا باین ترتیب که در موقعی که بدولت تعدی کنند فلاقدر مجازات شود ولی اگر ظلم بیک نفر بچهاره آمده سندش را ثبت کرده بکنند هیچ مجازاتی نداشته باشد البته مانی توانیم که بگیریم برای زیاده روی هیچ مجازاتی نداشته باشد یک عمداً هم اینجا زیاد شود .

رئیس - بکنم تیه دیگر هم این پیشنهاد خوانده میشود و رای میگیریم (مضمون سابق الذکر فراتت شد)

رئیس - رای میگیریم باین اصلاح آقایانی که باین اصلاح موافقت قیام نمایند (رد شد) باصل ماده ۱۳۶ که خوانده شد رای میگیریم .

وزیر عدلیه - بنده عرض دارم اینجا نوشته شده است که از شش ماه الی یکسال حقوق او مسترد شود و با از شش ماه الی یکسال حبس میشود در صورتی که قسمت اول آن ماده دلالت میکند بر ارتشاء و جزای ارتشاء را بهیچ وجه نمی توان قبول کرد که از شش ماه الی یکسال مقرریش داشته باشد و بنده بهیچ وجه همراه نیستیم با این ماده و باز تقاضا میکنم که بر گرد بکنیم بیون

آقای شیخ ابراهیم - بلی سابقاً هم از دو سال الی چهار سال حبس بود بهماز مذاکرات زیاد آقایان موافقت نکردند آنطور قرار داد شود والا حقاً این است که خیانت و دزدی اینطور مجازات تقدیرا در مقابل آن قراردادن هیچ فایده ندارد

رئیس - آقای مخبر قبول دارید که بر گردد بکبسیون .

آقای شیخ ابراهیم - بله قبول دارم (بکبسیون ارجاع شد)

ماده ۱۳۷ ببارت ذیل خوانده شد :

ماده ۱۳۷ - هر گاه اجزای اداره مزبور مقررات این قانون را در اصلاح جای سفید و کلمات زیاده و عمده و فاصله و توافق سطور و سایر ترتیبات مقرر در ماده ۷۴ و ۸۶ و همچنین دستور العمل های وزارت عدلیه را در ترتیب دفاتر رعایت ننمایند در دفعه اول ثبت مقرر یگانه آنها و در دفعه دوم مقرر یگانه تمام مقطوع و در دفعه سوم شش ماه از خدمت منفصل میشوند .

رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهار کردند غیر)

رای میگیریم بماده ۱۳۷ آقایانی که موافقت قیام

نمایند (با کثرت ۵۴ رای تصویب شد)

(ماده ۱۳۸ ببارت ذیل فراتت شد)

ماده ۱۳۸ - هر گاه اجزای اداره مزبور بواسطه تأخیر از وقت حضور یا غفلت و مسامحه امور اداره را معوق و معطل دارند در دفعه اول با توبیخ و ملامت کتبی و در دفعه دوم توبیخ و ملامت کتبی باقی در ورقه خدمت آنها و در دفعه چهارم و بعد از آن هر دفعه بکسر مقرر یگانه آنها مجازات می شوند .

آقای شیخ ابراهیم - این غلط چاپ شده است در دفعه اول اخطار کتبی در دفعه دوم اخطار کتبی با درج در ورقه خدمت آنها و در دفعه سیم با توبیخ و ملامت و در دفعه چهارم و بعد از آن در هر دفعه بکسر مقرر یگانه آنها مجازات می شود اصلش اینجا است این غلط چاپ شده است .

وزیر عدلیه - در دفعه سوم بقیه بنده کم است بعد از این که در دفعه دوم اخطار کتبی با قید در ورقه خدمت شد دیگر در دفعه سیم توبیخ و ملامت چه فایده دارد بنده پیشنهاد میکنم که در دفعه سیم بکسر مقرر شروع شود .

آقای شیخ ابراهیم - بقیه بنده تمامش را میبوسند در ورقه خدمتش برای اینکه اگر همچو کاری کرد روبرویش ملامت و توبیخش کنند پس قید در ورقه خدمت مقدم است و این هیچ معنی ندارد .

وزیر عدلیه - بطوریکه خواندند در دفعه اول اخطار کتبی بود در دفعه دوم اخطار کتبی با قید در ورقه خدمت در دفعه سیم توبیخ و ملامت و حال آنکه در دفعه سیم باید مجازات او بیشتر باشد برای آنکه بموجب خدمت و تقصیر باید تنزل و ترفی بکند همیشه در وقتی جانی خالی میشود میخواهد ترفی بکند در دفتر بر مثل نگاه میکنند پس در دفعه سوم باید تنبیه او بیشتر باشد و حال آنکه کمتر است برای این که در دفعه دوم اخطار کتبی با درج در ورقه خدمت در دفعه سیم فقط توبیخ و ملامت است و این نسبت بنده دوم کمتر است از این جهت بنده عقیده ام این است که در دفعه سوم کسر مقرر شروع شود .

آقای شیخ ابراهیم - درج در ورقه خدمت یعنی مینویسند در ورقه خدمتش که این آدم یک ساعت تسامح کرد و این را میفرمائید یا اینکه در ورقه خدمتش دفعات را می نویسند مثلا مینویسند این آدم چند دفعه غفلت و تسامح کرد بکدامت ملامت شد سه مرتبه توبیخ و ملامت شد و هکذا اگر مقرر او را کسر کردند باز مینویسند که فلان کس بواسطه آنکه غفلت از خدمت کرد کسر مقرریش یا ثبت یا یک ماهه شد سه کاره ای که برای او واقع میشود درج در ورقه خدمتش میکنند این عمل را عرض می کنم اولاً تسامح کرد کتبی باو اخطار میکنند که تسامح کرد کتبی باو اخطار میکنند و در ورقه خدمتش می نویسند که این آدم تسامح کرده است باز هم اگر مسامحه کرد روبرو او می گویند که تو غفلت کرده توبیخ و ملامت هم میشود دفعه چهارم مقرریش کسر می کنند آرا هم در ورقه خدمت درج میکنند هر چه بد واقع میشود درج در ورقه خدمت خواهد کرد

وزیر عدلیه - بنده متناهی نشدم برای

اینکه از این توضیحاتی که آقای مغیر دادند معلوم می شود که در دفته سوم باز می خوانند تو بیخ و ملاحت شغاهی بکنند و حال آنکه اخطار کتبی بالاتر از تو بیخ شغاهی است و ثانیاً آنک درج در ورقه خدمت مقصود این است که هر صاحب منصبی یک دفتر کار و ورقه خدمت دارد که هر چه مشاهده از او بشود از مواظبت و مسامحه در خدمت هر چه هست در ورقه خدمت درج میکنند از رئیس پرسند می خواهند که اشخاصی را معرفی بکنند و آنوقت او معین می کند حرکتی که او در مدت خدمت خودش کرده است مثلاً می نویسد خوب کار کرده است یا خوب کار نکرده است و این که این جا اضافه شده است که درج در ورقه خدمت بشود بجهت اهمیت او است برای اینکه در دفته اول شغاهی است ولی در مرتبه دوم در ورقه خدمت درج میشود و این می ماند برای آینه این شخص ولی می خواهند او را و با تو بیخ و شمانت میکنند در صورتی که این طور می فرمایند که در دفته دوم او اخطار کتبی با درج در ورقه خدمت شده است دیگر در دفته سوم تو بیخ و ملاحت شغاهی چه اثری دارد .

(ماده مزبور را آقای مغیر باین ترتیب اصلاح و عبارت ذیل قرائت کردید) .

ماده ۱۳۸ - هر گاه اجزاء اداره مزبوره بواسطه تاخیر از وقت حضور یا غفلت و مسامحه امور اداره را معوق و معطل دارند در دفته اول اخطار کتبی و در دفته دوم اخطار کتبی باین در ورقه خدمت آنها در دفته سوم با تو بیخ و ملاحت و در دفته چهارم و بعد از آن در هر دفته یکس مرتباً یک ماهه آنها مجازات میشوند .

رئیس - رای میگیریم بهمین طوری که آقای مغیر خوانند اگر آن تصویب نشد آنوقت آنطور رای میگیریم آقایانی که موافقت با این ماده بترتیبی که خوانده شد قیام نمایند (اغلب قیام نکردند - در شد)

رئیس - حالا بآن ترتیب ثانی خوانده میشود [با اصلاح آقای وزیر عدلیه عبارت ذیل قرائت شد] .

ماده ۱۳۸ - هر گاه اجزای اداره مزبوره بواسطه تاخیر از وقت حضور یا غفلت و مسامحه امور اداره را معوق و معطل دارند در دفته اول اخطار کتبی در دفته دوم اخطار کتبی با قید در ورقه خدمت در دفته سوم و چهارم و بعد از آن بهر دفته یکس مرتباً یک ماهه آنها مجازات میشوند .

رئیس - رای میگیریم بهمین ترتیبی که خوانده شد آقایانی که موافقت قیام نمایند [اغلب قیام نمودند - با اکثریت ۴۳ رای تصویب شد] .

ماده ۱۳۷ از روی راپورت سابق کمیسیون عبارت ذیل قرائت شد

ماده ۱۳۷ - مقرر می شود اجزاء اداره ثبت اسناد موافق قانون مقرر مأمورین و مستخدمین دولتی معین میشود

رئیس - رای میگیریم آقایانی که موافقت

قیام نمایند [اغلب قیام نمودند - با اکثریت ۴۰ رای تصویب شد] [ماده ۱۳۹ ماده ۱۴۰ به ترتیب ذیل قرائت شد] ماده ۱۴۰ - علاوه بر مقرری مذکور یک اضافه از محل عایدات مباشرت ثبت همه ماهه در حق مباشرین ثبت منظور میشود مقدار این اضافه نظر به تقاضای محلی نباید از صدی پنج عایدات مباشرت کمتر و از صدی ده بیشتر باشد اضافه هر محلی را وزیر عدلیه با موافقت وزیر مالیه معین و صورت اضافات مذکور را مقامات لازمه پیشنهاد میکنند

حاج سید ابراهیم - بنده می خواستم عرض کنم که نوشته شود عایدات ثبت اسناد (مباشر) را بردارند (ثبت) بنویسند بهر خاطر است

آقا شیخ ابراهیم - باید اینطور باشد اگر ثبت اسناد هم بنویسیم نمیشود کارهای دیگر هم دارد .

رئیس - رای میگیریم باین ماده آقایانی که موافقت هستند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) (با اکثریت ۱۰ رای تصویب شد) .

رئیس - قبل از اینکه راجع به تعرفه مذاکره کنیم در ماده ۹۳ آقای زنجانی یک پیشنهادی کرده اند خوب است در آن رای بگیریم بعد شروع می کنیم به تعرفه ثبت اسناد [عبارت ذیل قرائت شد] بنده در عوض ماده ۹۳ قانون ثبت اسناد ماده باین عبارت پیشنهاد کرده تقاضا میکنم بدون عود یکسایون در همین جلسه مذاکره و فوراً رای گرفته شود .

ماده ۹۳ - کسانی که حق گرفتن صورت ثبت یا سواد استند را داشته و صورت یا سواد سابقاً گرفته اند میتوانند نسخه دوم و سوم و چهارم را مستقیم ثبت بگیرند مباشرت آنرا و چندم بودن آنرا در نسخه که داده و در دفتر قید میکنند .

رئیس - در خاطر آقایان هست که ماده ۹۳ بترتیبی که در راپورت بود رد شد بعد اصلاحی هم پیشنهاد شد ورد شد حالا باین ترتیب آقای مغیر اصلاحی پیشنهاد کرده اند که توضیحی دارم بدهید بعد رای میگیریم .

آقا شیخ ابراهیم - کسانی که از ثبت صورت یا سواد می گرفته اند این ها در قسم بوده اند یک قسم از اول هم حق گرفتن داشته اند مثل اینکه صاحب سند بوده اند و باین جهت حق داشته اند که بگیرند بعضی این قسم بوده اند که محکمه حکم میداد و لازم بوده است که بگیرند گرفته اند حالا آن کسانی که خودشان حق داشته اند نسخه بگیرند حق دارند المثنی و المثلث بگیرند این ماده این را میگوید زیرا حق داشته اند خودشان و نسخه هم گرفته اند یکی دو تا سه تا و لکن مباشرت ثبت در دفتر نباید قید بکنند که دو دفته نسخه گرفته است و این دفته سوم است یا مثلاً چهارم است اشکالی هم ندارد .

آقا سید حسین اردبیلی - این ماده معلوم است سابقاً هم مذاکره شد بیک واسطه بعد که رد شد و جهش این بود که ممکن است اشخاصی حق داشته باشند نسخه بگیرند ولی نکرده اند یا اینکه حق را که داشته اند منتقل شده است بیک کس دیگر که او بنویسد .

می خواهد اسناد را چه بآن کار را بگیرد و هیچ نسخه هم نگرفته است باین لایحه بود که بنده پیشنهادی کرده بودم و نزدیک با اکثریت هم رای داده شد و این قید را نداشت در نسخه هم گرفته باشند این مطلب خیلی مهم و مسلم است که باید یک نسخه ماده باشد فقط آن قید را زایل می دانم که نسخه اول را گرفته باشد .

آقا شیخ ابراهیم - خیلی اشتباه است ما که می گوئیم نسخه بگیرند و حق داشته اند این تصور نمی شود نسخه اول را نگرفته باشند اگر نسخه اول را بگیرند نسخه دوم و سوم را تصور ندارد که بنویسیم نسخه اول را البته باید گرفته باشند تا سوم بشود و اگر گرفته باشند تا چهارم بشود چندین ماده برای اول گرفتن وضع شده است این دیگر هیچ گفتگویی ندارد .

[مجدداً ماده ۹۳ پیشنهادی آقا شیخ ابراهیم قرائت شد] .

رئیس - گویا مذاکره ندارد زیرا چند دفته مذاکره شده است (اظهار کردند بله مذاکره ندارد) .

حاج شیخ اسدالله - بنده عرض دارم مذاکرات کافی نیست .

رئیس - عرض کردم که مخالفت سرکار شغاهی مانع از ختم مذاکره نیست - رای می گیریم آقایانی که موافقت هستند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند با اکثریت ۷ رای تصویب شد) .

حالا در مسئله تعرفه اینجا خاطر آقایان را مسبوق میکنم که باید با ورقه رای بگیریم و این تعرفه متضمن یازده فقره مطلب است اگر بنا باشد که در هر فقره با ورقه رای بگیریم خیلی طول خواهد کشید یک ترتیبی آقای زنجانی پیشنهاد کرده اند و آن خوب ترتیبی است و آن اینست که آنچه ه فراتی است تاملش در یک فقره نوشته شود و آنچه چهار فراتی است در یک فقره و آنچه دو فراتی است در یک فقره و آنچه یک فراتی است در یک فقره

که پنج دفته با ورقه رای بگیریم و یک ترتیب دیگر هم هست که این ۱۱ فقره را یک ماده میکنیم ماده آخری ۱۴۰ بود این می شود ۱۴۱ ولی تمام مواد و فقراتش را یک ماده میکنیم در فقراتش یکی یکی بقیام و قعود رای می گیریم و در آخر با ورقه (همه تصدیق و موافقت کردند و بقرار ذیل قرائت شد) .

«تعرفه اعمال اداره ثبت اسناد» حقوقی که در اداره ثبت اسناد برای اعمال مقرر و اخذ میشود از افراد تفصیل ذیل است . اول - برای هیئت اسنادی که موضوع آنها عین مال غیر منقول است از قبیل قبلا به بیع شرط نامه و رهن و مصالحه نامه و رهن نامه و صدق و وصیت نامه و وقف نامه و امثال آنها از هر یک تومان نیم شاهی دریافت می شود .

حاج سید ابراهیم - بنده می خواستم عرض بکنم که خود صادق داخل در قبالتها نیست اگر ثبت صادق نامه است خوب است که نامه اش را هم بنویسد .

آقا شیخ علی شیرازی - این جهت ندارد که غیر منقول نوشته شود بجهت اینکه بیع شرط رهن و رهن و مصالحه و صدق همه این ها که میشود متعلق بمنقول بود و هم متعلق بغير منقول پس این ماده با ماده دوم نمی دانم فرقی بمنقول و غیر منقول است یا غیر آن اگر این غیر منقول است آنرا بمنقول بنویسند نه این تفصیل هائی که نوشته شده است و اگر فرقی باین جزئیات است که دیگر منقول و غیر منقول لازم نیست نوشته شود چون منقول و غیر منقول در هر دو می آید .

آقا شیخ ابراهیم - مقصود آقا راهبیم ما فرقی گذاشتیم بین آنچه هائی که منقول است و آن چیز هائی که غیر منقول است چند مثال هم زده ایم غیر آن ها را نوشته ایم دیگر کجایش عیب دارد

رئیس - رای میگیریم بهمین ترتیبی که نوشته شده است آقایانی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند - با اکثریت ۵ رای تصویب شد) فقره دوم باین عبارت خوانده شد .

دوم - از ثبت اسناد متعلقه باسوال منقوله از تقود و اجناس و منافع امیان از قبیل نسکات و اجاره نامه و هت طلب و قبض و صدقات نامه و غیره باین تومانی ربع شاهی .

حاج سید ابراهیم - بنده عرض میکنم که گویا ثبت اسناد را باید تمهید بدهیم بشام ولایات و می بینیم که غالباً این چیز هائی که این جا نوشته شده است از تقود و اجناس و منافع امیان و اجاره نامه و هت طلب و قبضه از ده تومان و سی تومان و غیره آنها است این ربع شاهی را حساب کنیم از ده تومان در شاهر و نیم میشود و این خیلی کم است تومانی ربع شاهی را بنده خیلی کم می دانم .

رئیس - رای میگیریم بفقره دوم آقایانی که موافقت هستند قیام نمایند [اغلب قیام نمودند - با اکثریت ۴ رای تصویب شد فقره سوم باین طور خوانده شد]

سوم - برای ثبت کتبه اسنادی که موضوع مالی ندارد از قبیل طلاق نامه و وکالت نامه و قرار نامه و استظهار نامه و امثال آنها بهر سندی دو قران .

رئیس - مخالفی نیست در رای آقایانی که موافقت هستند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند با اکثریت آرا تصویب شد - فقره چهارم باین عبارت قرائت شد) .

چهارم - برای دادن صورت دفتر بهر صفحه از دفتر دو قران .

لواء الدوله - آن دفته عرض کردم حالاً هم عرض میکنم صفحه دو قران خیلی زیاد است شاید

یکی یک سند دو تومانی دارد و می خواهد ۵ دفته سواد بگیرد بجهت سند دو تومانی بهر دفته دو قران بعد این خیلی زیاد است باید یک ملاحظه این جا کرده ام اسناد هم دو هزار تومان و پانصد تومان و ششصد تومان نیست بنده این را زیاد می دانم

آقا شیخ ابراهیم - اولاً اسناد هزار تومانی باشد پاره تومانی هر چه باشد زحمت نوشتن آن بکسان است هر گاه گفتیم بکتران آنوقت برای ده تومان هم بکتران است برای هزار تومان هم بکتران برای ده هزار تومان هم بکتران حالیه آمدیم یک حد وسطی را گرفتیم که دو قران باشد سند دو تومانی هم دو قران است دو هزار تومانی هم دو قران است .

رئیس - رای می گیریم آقایانی که موافقت قیام نمایند اغلب قیام نمودند با اکثریت ۴ رای تصویب شد [فقره ششم عبارت ذیل خوانده شد] ششم - از تصدیق مطابقت سواد با اصل و تصدیق اصالت امضاء و تصدیق این که در چه تاریخ سندی ثبت شده و تصدیق اظهار با اقرار کسی از هر یکی دو قران

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) رای می گیریم بفقره ششم بطوری که قرائت شد آقایانی که موافقت قیام نمایند (با اکثریت ۵ رای تصویب شد) فقره هفتم را بخوانید (باین عبارت ذیل قرائت شد)

هفتم - از تصدیق هویت با حیوة کسی بهر یک چهار قران .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خبر) رای می گیریم آقایانی که با فقره هفتم رضوی خوانده شد موافقت قیام نمایند [با اکثریت ۴ رای تصویب شد] فقره هشتم را بخوانید (باین عبارت خوانده شد) .

هشتم - از تبلیغ اظهار کسو بکسی با ثبت آن در دفتر ه قران .

حاج سید ابراهیم - بلی در پیشنهادی که بعد می آید نوشته است که مخارج حرکت کننده بعهده رجوع کننده است در این صورت که مخارج بعهده رجوع کننده باشد دیگر تبلیغ اظهار کسی بکسی ه قران خیلی زیاد است برای این تبلیغ دیگر مخارجی ندارد در دفته اول هم اظهار شد که این زیاد است آقای مغیر جواب دادند که چون حرکت مباشرتاً خرجی داشته باشد حالا که مخارج را معین کردیم بعهده رجوع کننده باشد دیگر این ه قران زیاد است و بنده پیشنهادی میکنم که ۲ قران ۲۴ قران و نیم نوشته شود .

آقا شیخ ابراهیم - ه قران را من باب مراعات نوشتن ولی اگر کسی بیاید بیک مأمور دولت بگوید مطلب مرا برسان بخانه فلانی که آن طلب مراد به موهدش بر آمده بآن بیع شرط متدش منقضی شده یا کرایه خانه مراد بهید یا خانه مراد خالی کنید این دیگر از ه قران کمتر بگیرد نمی شود همچو حرفی گفت که ه قران نهدم برای این کار اما هر گاه خرج مسافرت هم دارد از این محله بآن محله شاید ۴ قران پول در شکه بخواهد اگر بنا شود

برود مثلاً بورامین آنوقت البته مخارجش بیشتر خواهد بود این ها دیگر ربطی بآن عمل نخواهد داشت برای فقط این عمل که برود آنجا و تبلیغ اظهار او را بکنند برای این عمل ه قران کم هم است .

آقا محمد بروجردی - این را ممکن است بمعذرت عرض بکنم که اینطور نیست که تمام اظهارات زحمت داشته باشد ممکن است مباشرت ثبت بیک تلفن بیک طریق خیلی سهل تبلیغ اظهار کسی را بکسی بکنند بیک پیام بدو کلمه یادداشت و شاید علاوه این ها اگر یک مخارجی داشته باشد بطوری که در آن تنبیه اشاره شده است که مخارج حرکت با رجوع کننده است و در صورتی هم که از این محله بآن محله بخواهد برود مخارج در شکه دو قران بیشتر نیست بنده دو قران و نیم هم که آقای حاج سید ابراهیم پیشنهاد کرده اند زیاد میدانم و همان دو قران را کافی میدانم .

آقا شیخ ابراهیم - می فرمائید ممکن است با تلفن اظهار و تبلیغ بکنند و طرف رانه بیند آنوقت بیاید در دفتر خودش هم ثبت بکنند این را می فرمائید این را نمیشود با تلفن تبلیغ کرد باید بنویسد فلان آدم آمد و اینطور اظهار کرد و من رفتم بخانه فلان کردم او را ملاقات کردم این طور تبلیغ اظهار او را کردم او اینطور جواب گفت این ها را باید ثبت بکنند باین وقت و آنوقت بلکه امور رسمی که برود بخانه کسی دیگر برای این کار مهم ه قران هم بگیرد این خیلی حرف غریبی است .

رئیس - آقای حاج سید ابراهیم پیشنهادی کرده اند که ه قران گرفته شود آقایانی که موافقت با این پیشنهاد قیام نمایند (در شد) حالا رای میگیریم بهمین ترتیبی که در راپورت کمیسیون نوشته اند آقایانی که موافقت با راپورت کمیسیون قیام نمایند (با اکثریت ۴ رای تصویب شد) .

فقره نهم را بخوانید [عبارت ذیل قرائت شد] نهم - حق الامانه برای حفظ هر یک سندی که باز باشد یا یک یا یک سربسته اگر چه متضمن چند سند باشد تا ششماه و کمتر از آن هر چند باشد پنج قران و بعد از ششماه اول یا ششماه دیگر پنج قران و بعد از ششماه هر قدر باشد حکم ششماه را دارد .

رئیس - مخالفی نیست و اظهاری نشد - آقای حاج سید ابراهیم پیشنهادی کرده اند خوانده میشود (باین عبارت خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ششماه سیم ه قران و بعد از آن هر شش ماهی دو قران و نیم حقوق دولت اخذ شود .

حاج سید ابراهیم - این معلوم است که اگر این سند را ششماه نگاهدارد یک زحمتی در حفظش دارد ولی بعد از آنکه ششماه گذشت زحمتش کمتر میشود و همین قسم هر ششماه که میگذرد زحمتش کمتر میشود باین جهت بنده پیشنهاد کردم که در ششماه ثانی چهار قران و در ششماه ثالث سه قران و در ششماه رابع بیصد دو قران و نیم باشد والا حقیقتاً هر سندی دو قران و نیم بیشتر سزوار است ولی چون

دراول رحمت دارد ازاین جهت پیشنهاد شده که باین ترتیب گرفته شود.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - این جمله ازاعمال مهمه است دولت باید یک آدمی امینی و مستخدم صحیحی قرار بدهد که امانتهای مردم را که بسیار مهم است و آنها را ضبط بکنند اینها مستعطف میخوانند - تکامداری لازم دارد باید آنجمل طوری محفوظ باشد که مردم مطمئن باشند ازخانه شان هم مطمئنتر باشد برای یک چنین کاری خرج لازم دارد ماه اول و دوم هم هیچ خرج فوق العاده ندارد در آن جنبه هست و این مبلغ برای این است که او سند مردم را حفظ کرده و مخارج پیدا میکند حفظ آن آبا هر کس سند معتبری داشته باشد که لازم بدانند پیش دوات محفوظ بماند مامی پنجقران نمی دهد و البته میدهد .

رئیس - اصلاح را میخوانیم برای میگیریم (اصلاح حاج سید ابراهیم مجدد قرائت شد) **رئیس** - رای میگیریم باین اصلاح که آقای حاج سید ابراهیم پیشنهاد کرده بطوری که خواننده شد آقایانی که موافقت قیام نمایند (رد شد) . حالا رای میگیریم بقره نهم که میسون . آقایانیکه موافقت باقره نهم رایورت که میسون قیام نمایند (با اکثریت ۴ رای تصویب شد) . فقره دوم را بخوانید . (بجارت ذیل قرائت شد) . **دوم** - قبض رسید امانت که بصاحب امانت داده میشود بیکقران .

رئیس - مخالفی نیست؟ [گفتند خیر] رای میگیریم بقره دوم آقایانی که موافقت باقره دوم بطوری که خواننده شد قیام نمایند (با اکثریت ۴ رای تصویب شد) . (فقره ۱۱۰ عبارت ذیل قرائت شد) .

بازدهم - صورت مجلسی که بجای قبض امانت مرتب و بصاحب امانت داده میشود پنجقران . **عزائمالمالك** - این با آن فقره دوم چه فرقی دارد که آنجا بیکقران و اینجا پنجقران باشد بنده این را زیاد میدانم .

آقا شیخ ابراهیم - يك مسأله برای این گذشت یکی آن است که یا کتی را سر بسته مهر کرده میدهد بیک قبض میگردان بیکقران میدهد او هم بیک قبض مینویسد که یا کتی بفلان شکل بفلان مهر نزد من است بقره نهم این است که این شخص چندین سند میآورد و میخواهد تمام این اسنادی که با او میسازد صورت بنویسد بدست او یک صورت مجلس را ثبت بکند و شهودش که هستند ثبت بکنند بهند بدست او اینرا صورت مجلس میگویند که در او مینویسد اسنادی باین ترتیب شهود امانت سپرده شده است باین اندازه این صورتها را مینویسند و باین میدهند این یک کار خیلی پر زحمتهایست خصوصاً اگر اسناد زیاد باشد بنده این را کم میدانم اگر یک چیزی زیاد میگیریم بهتر بود .

رئیس - رای میگیریم بقره نهم با دو هم بطوری که قرائت شد آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (با اکثریت ۴ رای تصویب شد) .

پیشنهادات را بخوانید [باین عبارت خوانده شد] . **تنبیهات** .

اول در هر مورد حق تفرقه کمتر از يك شاهي معفو است . **رئیس** - مخالفی که نیست [اظهاری نشد] رای میگیریم آقایانی که موافقت قیام نمایند . (با اکثریت تصویب شد) . (باین عبارت خوانده شد) فقره دوم را بخوانید . **دوم** - کسور صفحه در فقره چهارم و پنجم صفحه تمام محسوب است .

آقا محمد - این خالی از اشکال نیست نمیشود که یک صفحه تمام که نرسیده يك صفحه تمام به حساب بیاید این مناسبتی ندارد خوب است اینطور نوشته شود در فقره چهارم و پنجم وقتی که از نصف تجاوز بکنند اگر اینطور نوشته شود بهتر است .

آقا شیخ ابراهیم - این صفحه چه بنصف برسد چه نرسد برای آن شخص بکار گرفته است خواه بآخر برسد خواه نرسد ممکن هم نیست که در صفحه قبل برای او تمام کنند این چیزها در تمام قوانین تمام حساب میکنند نمی بینید لنگر افراوهتی که از دو کلمه زیاد ترند تمام حساب میکنند . **رئیس** - رای میگیریم بقره دوم از تنبیهات بطوری که خواننده شد آقایانی که موافقت قیام نمایند (رد شد) فقره سیم باین عبارت قرائت شد **سوم** - مخارج حرکت در فقره هشتم بمهمه رجوع کننده است .

رئیس - مخالفی نیست؟ (گفتند خیر) رای میگیریم آقایانی که موافقت باقره سیم قیام نمایند اکثریت است . آقای زنجانی پیشنهادی بمنوان تنبیه چهارم کرده بودند بدمسترد داشتند و تنبیه دیگری پیشنهاد کردند اولی طبع و توزیع شده است لیکن این پیشنهاد ثانوی شان طبع و توزیع نشده است حالا قرائت می شود . (بجارت ذیل قرائت شد) . **چهارم** - در ثبت اسناد اموال غیر منقوله هیچ وقت کمتر از يك قران و در ثبت اسناد اموال غیر منقوله هیچ وقت کمتر از ده شاهی گرفته نخواهد شد .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - چون يك سندی ثبت میکنند ما در اموال غیر منقوله بهر تومانی بپشاهی فرار داده بودیم بنابر این هر گاه در اموال غیر منقوله بکند ده تومانی یا هفت تومانی باشد خیلی کم خواهد شد حالا بگوئیم بکسندی را که ثبت میکنند در اموال غیر منقول هفت شاهی بگیرند کمتر از يكقران بگیرند و يك سندش را که در اموال منقوله ثبت می کنند و کمتر از ده شاهی بگیرند کمتر از ده شاهی بگیرند **فهم المالك** - اینجا بهتر این بود که پیشنهاد میفرمودند که کمتر از يكقران بده شاهی معاف باشد بجهت اینکه سندی که ده تومان یا هشت تومان باشد از آن چیزی نگیرند بهتر است .

وزیر عدلیه - بنده عقیده ام این است که همین طور که در تفرقه نوشته شده است مسلم الشقوق است برای اینکه نوشته شده است از برای ثبت اسنادی که موضوع آنها عین مال غیر منقول است از هر يك تومان بپشاهی و از برای ثبت اسناد متعلقه باموال منقوله در هر تومان ربع شاهی دریافت می شود و از

برای نقیض هم این ترتیب بهتر است بجهت این که حساب میکنند که چقدر شده است وجه ثبت او دیگر جای این صحبتها نیست که بگویند فلان مقدارش آمو بوده است و در این صورت از روی دفتر او معین میکنند که چقدر ثبت شده است اما در صورتی که بکف معافیته داده شود غیر از اینکه اسباب حرف و زحمت بین مقنن و مباشر و سوء استعمال و استفاده بکنند از آن هیچ فایده ندارد و از برای مردم هم آن خوب است بجهت اینکه يك تساوی خوبی پیدا شود حالا هفت شاهی شود یا ده شاهی بشود هیچ تفاوتی ندارد

آقا شیخ ابراهیم - پس بنده پیشنهاد خود را مسترد میکنم . **رئیس** - راجع به تنبیه دوم آقای آقا محمد يك پیشنهاد کرده اند خواننده می شود (باین عبارت خواننده شد) بنده در تنبیه دوم پیشنهاد میکنم چنین نوشته شود کسور صفحه در فقره چهارم و پنجم وقتی از نصف تجاوز کند تمام محسوب میشود .

آقا شیخ ابراهیم - در این صورت پس کمتر از نصف تانصف منقولست و در این صورت این را باید قید کرد . **محمد هاشم میرزا** - چون در پیشنهاد آقای آقا محمد نوشته شده بود که اگر از نصف گذشت صفحه تمام محسوب میشود مفهوم آن این بود که اگر بنصف نرسد با اگر چه نصف هم رسیده معفو است حالا اگر معفو را قبول میفرمائید بنده پیشنهاد خود را مسترد میدانم والا آنطور نوشته شود (پیشنهاد محمد هاشم میرزا بجارت ذیل قرائت شد) .

سطور تانصف صفحه نرسیده نصف ثبت دریافت میشود و اگر از نصف گذشت قیمت تمام صفحه دریافت می شود . **رئیس** - رای میگیریم باین پیشنهاد آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد) حالا رای خواهیم گرفت بپاره صد و چهل که متضمن یازده فقره و چهار تنبیه است آقایانی که موافقتورنه سفید خواهند انداخت و آقایانی که مخالفند وره آبی خواهند انداخت . (در این موقع شروع باخذ آراء شده آقای حاجی میرزا رضاخان اوراق رای را احصا نموده وعده اوراق را اینطور اعلام نمود وره سفید چهل و هشت وره آبی يك) .

رئیس - با اکثریت چهل و هشت رای این ماده تصویب شد (اسمی رای دهندگان) **دکتر اسمعیل خان** - آقا شیخ علی شیرازی - آقا شیخ ابراهیم زنجانی - ابوالقاسم میرزا معتمدالتجار ذکاء المالك - آدینه محمدخان - آقای مدرس - ادیبالتجار - حاج سید نصرالله شیبانی - حاج صدیق المالك - معاضد السلطنه - انتظام الحکماء - قشقائی - آقا سید جلیل - میرزا داودخان - منتصر السلطان - آقا میرزا احمد - آقا میرزا ابراهیم منی - حاج وکیل الراعیان - رکن المالك طباطبائی - اسدالله خان کردستانی - مشیر السلطان - مرز المالك - معاضد المالك - مشیر السلطان - حاج سید ابراهیم مدرس - آقا میرزا ابراهیم خان - ضیاء المالك - عز المالك - آقا شیخ مهدی نجم آبادی آقا شیخ غلامحسین - آقا میرزا محمد علی خان تربیت حاج میرزا رضاخان - لسان الحکماء - حاج محمد صادق - علی زاده - معذل الدوله - افتخار الواعظین

حاج شیخ رئیس - سردار الملامه - خراسانی - دکتر حیدر میرزا - فهم المالك - کاشف - آقا شیخ علی خراسانی - دکتر امیرخان - متین السلطنه رد کنند - لواء الدوله

عجالتاً ده دقیقه نفس است بعد از نفس رایورت کیسیون بودجه راجع بورنه دکتر مولد ایضاً به رایورت کیسیون بودجه راجع باعزام حصصین (مجدداً نیم ساعت قبل از غروب مجلس افتتاح و بکریع شروع مانده رسماً منعقد شد)

رئیس - رایورت کیسیون بودجه راجع به وره مولد و جلسات سابق ماده دوم آن در خصوص دادن سالی سبده تومان بمیالش تصویب شد ولی ماده اولی بر حسب پیشنهاد آقای حاج شیخ رئیس و تقاضای مخبر کیسیون عودت داده شد امروز رایورتش را داده اند چون مختصر بود محتاج بطبع و توزیع نبود حالا ماده اولی که در رایورت سابق کیسیون نوشته شده بود اول خوانده می شود بعد رایورت ثانوی کیسیون را هم می خوانند و رای می گیریم (ماده اول از رایورت کیسیون بجارت ذیل قرائت شد) .

(۱) سالیانه یا نصف تومان در حق دو پسر و سه دختر دکتر مولد پسر ها تا انقضاء مدت تحصیل و دخترها تا موقع شهور رفتن حقوق برقرار شود [برقراری این حقوق متجاوز از هشت سال نخواهد بود] (رایورت ثانوی کیسیون نیز بجارت ذیل قرائت شد) ماده ۱ - سالیانه مبلغ یا نصف تومان به دو پسر و سه دختر دکتر مولد تا مدت هشت سال داده می شود .

رئیس - آقای حاج شیخ رئیس مخالفه تنبیه؟ **حاج شیخ رئیس** - مخالف مستوی ندارم لفظ است می خواستم عرض کنم پسران و دختران بنویسند (مجدداً با تبدیل کلمه دو پسر و سه دختر پسران و دختران قرائت شد) .

حاج عز المالك - این جا توضیح کرده است که دو پسر و سه دختر با اعتقاد بنده همان طور که وزیر تصریح کرده است بهتر است خوب است که برایورت رای گرفته شود .

رئیس - قنات نامی کند می خواهد سه پسر باشد یا پنج پسر همین است که می دهند دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) پس رای می گیریم با اوراق آقایانی که موافقت با این پیشنهاد کیسیون وره سفید خواهند انداخت و آقایانی که مخالفند وره کبود . [اوراق اخذ شده و آقای معاضد المالك بقرار ذیل استعراج نمودند] - وره سفید چهل و شش -

رئیس - با اکثریت ۴۶ رای تصویب شده - حالا باید در کلیه این رایورت رای بگیریم ولی چون اوراق هنوز توزیع نشده است رایورت شش و راجع به نماینده کلبی ها خوانده میشود و رای میگیریم بعد در کلیه این رایورت رای گرفته میشود - آقایانی که تصویب کردند ماده اول رایورت کیسیون بودجه را .

از باب کیسیون - آقا شیخ ابراهیم . دکتر اسمعیل خان . معتمدالتجار . حاج سید نصرالله آقا شیخ علی شیرازی - صدیق المالك . شیبانی . انتظام الحکماء . معاضد السلطنه . حاج محمد کریم خان . دکتر علی خان . رحیم المالك . حاج میرزا رضا خان . علی زاده . لسان الحکماء . آقا سید حسین اردبیلی . آقا میرزا احمد . منتصر السلطان افتخار الواعظین . آقا میرزا مرتضی قلی خان . ناصر الاسلام . ابوالقاسم میرزا . تربیت . ضیاء المالك . مشیر حضور . حاج عز المالك . آقا شیخ غلامحسین نیر السلطان . معذل الدوله . طباطبائی . مرز - المالك . آقا سید محمد باقر ادیب - مرز المالك . حاج وکیل الراعیان . ادیبالتجار . فهم المالك . آقا میرزا ابراهیم خان . آقا میرزا اسدالله خان . کاشف محمد هاشم میرزا - ذکاء المالك . دکتر امیرخان - متین السلطنه . حاج شیخ رئیس

(رایورت ششمه پنجم نیز بجارت ذیل خوانده شد) ۲۵ شهر ربیع الثاني ۱۳۲۹ شنبه ۵ چند جلسه متوالی در تحت ریاست آقای معزز المالك منعقد گردیده در خصوص اعتبار نامه میرزا اتمان کلیمی که از طرف کلیه بیان شیراز - کاشان - اصفهان - همدان انتخاب شده مدافه لازم نموده چون انتخاب ملل متنوعه در نظامنامه انتخابات صرح بیک درجه یادو درجه نیست و از طرف کلیه بیان طهران نیز میرزا عزیر الله انتخاب شده بوده صورت مفصل انتخابات کلیه بیان را ذیل برض مجلس میرساند انتخاب میرزا لفسان از نقاط مفصله با اکثریت ۲۸۴ رای همدان با ابرخ حوت با اکثریت نامه ۹۷ رای اصفهان ۱۵۰ شوال با اکثریت ۲۴ رای کاشان ۲۲ سفر ۱۳۲۸ با اکثریت ۴۲ رای شیراز معمر ۱۳۲۸ با اکثریت ۱۱۱ رای میرزا عزیر الله با انتخاب کلیه بیان طهران با اکثریت ۲۰۷ رای

پس از مذاکرات لازمه و تحقیقات از رئیس شنبه انتخابات وزارت داخله چون میرزا لفسان نسبت به میرزا عزیر الله اکثریت آراء دارد و در نظامنامه تصریح با انتخاب دودرجه نیست شنبه با اکثریت آراء صحت نمایندگی میرزا لفسان را تصدیق و موکول برای مجلس مقدس می نماید

حاج شیخ اسدالله - در انتخابات دو نظر اساسی است یکی مستقیم و یکی غیر مستقیم داین نظامنامه انتخاباتی که نوشته شده است و فعلاً معمول است و این نمایندگان بموجب آن نظامنامه انتخاب شده و باین مجلس آمده اند حالیه ولو اینکه بنده اساساً در این قسم انتخابات مخالف هستم و انتخابات را مستقیم می دانم الا اینکه نظر آن اشخاصی که این نظام نامه را نوشته اند بنده آنچه ملاحظه می کنم می بینم که نظرشان انتخابات بطور غیر مستقیم بوده است و آن نظر اساسی هم نسبت بملل متنوعه و سایر ایالات و ولایات فرق نمیکند و اینکه در نظامنامه انتخابات در موقع انتخاب ملل متنوعه ساکت است از اینکه باید انتخاباتشان بطریق دو درجه باشد یا یکدرجه بنده عقیده ام این است که اینچرا موکول گرداند بآن نظر اساسی خودشان که از ابتدا تا انتهای نظامنامه آن نظر را داشته اند و بآن نظر هم

در انتخابات ایالات و ولایات میزان را دو درجه قرار دادند و باین ترتیب نماینده شنبه در این باب به نظری داشته است که یک درجه بودن این انتخاب را تصریح کرده است و صحت آن را رای داده است و حال اینکه مطابق نظامنامه انتخابات این انتخاب باطل است و دیگر آنکه ملاحظه میفرمائید که در نظامنامه انتخاب در درجه اول اکثریت تا ما کافی میدانند اکثریت نسبی را در درجه دوم ولی اکثریت نسبی را در مرتبه اول و دوم هر دو کافی نمیدانند و در اینجا در درجه اول اگر چه همه آراء کلیه رای دهندگان را معین نکرده اند که چقدر بوده است و اکثریت اکثریت نام بوده است یا اکثریت نسبی لکن بیک ملاحظه که در اینجا مینویسد که نسبت بپدیکری اکثریت آراء دارد معلوم میشود که این اکثریت اکثریت نسبی است و در صورتی که مادر این مورد انتخاب یکدرجه قابل شوم اکثریت نسبی را که خود نظامنامه ساکت است که باید انتخاب یکدرجه اکثریت نسبی معتبر است یا معتبر نیست نماینده شنبه بچه نظر قبول کرده است و این را تصدیق کرده است و حال اینکه باید اکثریت نام باشد مطابق نظامنامه انتخابات و بر فرس اینکه بخواهیم قبول کنیم و تصدیق بنمائیم پراینکه اکثریت نسبی کافی است آن یکسکله است عیبده محتاج به این است که مجلس بکرائی بدهد و تصدیق بکند که اکثریت نسبی در انتخاب یکدرجه کافی است مطابق آن تصدیق مجلس اوس اعتبار نامه را به اکثریت نسبی می توانیم قبول کنیم والا بچه نظر باید این را قبول کرد که در صورتی که انتخاب يك درجه پذیرفته است اکثریت نسبی در آن يك درجه قبول است و حال اینکه مطابق آن عرض کردم که آن اشخاصیکه نظامنامه انتخابات را نوشته اند انتخاب

آن دو درجه باشد . **حاج عز المالك** - اینجا همانطوری که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند نظامنامه انتخابات تصریحی در باب ملل متنوعه نکرده است یعنی در خصوص تعیین حوزه انتخاب و تعیین دو درجه بودن آنها ساکت است مثلاً در انتخاب و کلای ایالات تصریح کرده است که حوزه انتخاب بجهتین وزارت داخله است اما در باب ملل متنوعه فقط حق انتخاب يك نفر و کین را بآنها داده است و بعد از این که انتخابات تصریح کرد باینکه بیک نفر و کین حق دارند بمجلس بفرستند و تصریح نکرده است که حوزه انتخاب آنها کجا است انتخاب در کجا خواهد شد پس بهین دلیل معلوم خواهد شد که آنها بهر شکل باشند میتوانند يك نفر و کین از برای خودشان انتخاب کنند و بمجلس بفرستند و اینکه فرمودند اکثریت نام لازم است این طور است اکثریت نام برای همان دودرجه است یعنی اگر در يك حوزه انتخابیه کسی نسبت بتمام آراء انتخابات آن حوزه انتخابیه اکثریت نام داشت آنوقت اواز انتخاب درجه دوم مستقیم است و مستقلاً نماینده مجلس است اما اینجا این طور نیست زیرا بطوریکه عرض کردم نظامنامه انتخابات فقط حق يك نفر و کین را بکلیه بیان داده است و اینجا هم چه در طهران چه در سایر نقاط جمع شده اند و يك نفر و کین خواسته اند انتخاب نمایند آن وقت همدان و اصفهان و شیراز و کاشان با اکثریت دکتر لفسان

را انتخاب کرده اند و فقط طهران در باره مرزا عزیز الله رای داده اند و بعد از اینکه آراء میرزا که اکثریت بدست لقمان است دیگر لازم نیست بگوئیم يك نفر دیگر باید با آنها حق بدیم انتخاب بکنند همین دو سه نفر عديك نفر ازین آنها در درجه دوم انتخاب بشود این را از روی چه قانونی می فرمائید در نظامنامه اشتباهاست همچو حتی با آنها داده شده است و تصریح نشده است که دو کدام يك از شهرهای ایران کیمیان حق انتخاب يك نفر یا دو نفر وکیل دارند و بعد در درجه دوم آنها در کجای انتخاب خواهد شد مثلا می فرمائید کاشان يك نفر اسفهان و شیراز هم يك نفر و طهران هم يك نفر انتخاب کنند در این صورت که تساوی نخواهد شد یا این که میگوئید در هر شهری يك نفر را انتخاب بکنند پس این هاتمام اشکالاتی است که پیش میاید و البته در نظامنامه انتخابات آتی باید این مطالب تصریح بشود که دیگر دو چار این قسم اشکالات نشویم ولی نظامنامه حالیه فقط انتخاب يك نفر وکیل را بانها داده است و این هاهم که انتخاب کرده اند ۲۸۳ رای درباره کتر لقمان داده اند و ۲۰۷ رای دربار مرزا عزیزالله و این دورا که نسبت بيك دیگر مقایسه کنیم دکترا لقمان اکثریت دارد و آن کسی را هم که نسبتاً اکثریت دارد باید پذیرفت و نباید هم اشکالات کرد برای اینکه این هاهم در حقیقت از ملت ایران هستند و باید نماینده ایشان را پذیرفت .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد رفتند صحیح است) رای میگیریم برای پورت ششم پنجم که تصویب کرده است نماینده کنی دکترا لقمان را آقایانی که موافقت با داور ششم پنجم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) اکثریت تصویب شد حالا رای می گیریم بکلیه رای پورت کبسیون بودجه در باب ورقة مولد آقایانی که تصویب می کنند ورقة سفید خواهند انداخت (اوراق رای اخذ شده و آقای حاج میرزا رضا خان از فرار ذیل استخراج نمود ورقة سفید ۴۹).

رئیس - با اکثریت ۴۹ رای تصویب شد. (آقایانی که تصویب کردند)

حاج سید نصرالله . آقا شیخ علی شیرازی . دکترا اسمعیل خان . حاج میرزا رضا خان . میر السلطان شیبانی . آدینه محمد خان . ادیب التجار . آقا میرزا احمد . علی زاده . لسان الحکماء . آقا سید حسین اردبیلی . ابوالقاسم میرزا . حاج وکیل الرعایا دکترا حیدر میرزا . وحید الملک . آقا شیخ ابراهیم متمم التجار . دکترا علیخان . حاج محمد کریم خان . دکترا حاج رضا خان . معاضد السلطنه .

انتظام الحکماء . حاج صدیق الملک . آقا سید محمد رضا . آقا میرزا مرتضی قلیخان . افتخار الواعظین . ارباب کبخی سرو . معادل الدوله . ناصر الاسلام . طباطبائی . منتصر السلطان . معز الملک . عز الملک . ضیاء الممالک . آقا شیخ غلامحسین . آقا میرزا ابراهیم خان . مشیر حضور . معاضد الملک . تربیت حاج هز الممالک . کاشف . محمد هاشم میرزا . آقا میرزا

اسدالله خان - معین السلطنه . دکترا میرزاخان . حاج شیخ الرئیس ذکاء الملک .

رئیس - راپورت کبسیون بودجه راجع به اهرام سی نفر شاگرد بفرنگ ماده اول و دوم آن تصویب شده حالا ماده سوم و چهارم و پنجم آن را پورت داده شده است خوانده میشود (ماده سیم راپورت کبسیون بعبارت ذیل قرائت شد).

ماده سوم - معارج سی نفر شاگرد از قرار نفی پانصد و پنجاه تومان ۱۶ هزار و پانصد تومان سالیانه اعتبار بوزارت معارف داده میشود .

رئیس - مخالف هست ؟ (اظهاری نشد) پس رای میگیریم آقایانی که موافقت کنند با ماده سیم راپورت کبسیون بودجه بترتیبی که خوانده شد ورقة سفید خواهند انداخت . (نیز اوراق رای اخذ شده و آقای حاج میرزا رضاخان از فرار ذیل استخراج نمود).

ورقة سفید ۵۸

رئیس - با اکثریت ۵۸ رای تصویب شد (۲۷ نفر تصویب کردند)

آقا میرزا ابراهیم قلی . دکترا حیدر میرزا دکترا علی خان . انتظام الحکماء . شیبانی . ارباب کبخی سرو . بهجت . ناصر الاسلام . آقا سید حسین کزازی . آقا میرزا احمد . آقا میرزا داود خان . معاضد السلطنه . حاج هز الممالک . صدر العلماء . آقا شیخ ابراهیم . لسان الحکماء . حاج سید نصرالله . آقا شیخ شیرازی . آدینه محمدخان آقا سید محمد رضا . ادیب التجار . وحید الملک متمم التجار . دکترا حاج رضاخان . حاج وکیل الرعایا . حاج محمد کریمخان . ضیاء الممالک آقا سید حسین اردبیلی . منتصر السلطان . آقا میرزا رضاخان تئینی . افتخار الواعظین . معادل الدوله طباطبائی . فهیم الملک . معز الملک . آقا شیخ غلامحسین . حاج میرزا رضاخان . عز الملک . معاضد الملک . آقا میرزا رضای مستوفی . حاج شیخ اسدالله . آقا میرزا ابراهیم خان . تربیت میر السلطان . محمد هاشم میرزا . ابوالقاسم میرزا معین السلطنه . علی زاده . دکترا میرزا کاشف آقا شیخ رضا . آقا میرزا اسدالله خان . دکترا اسمعیل خان . سلیمان میرزا . نجات . ذکاء الملک . حاج شیخ الرئیس .

(ماده چهارم از قرار ذیل خوانده شد)

ماده ۴ - معارج ذهاب ۳۰ نفر شاگرد از قرار يك صد تومان سه هزار تومان .

مشیر حضور - بنده بسکند تومان را خیلی زیاد می دانم و گمان میکنم که شصت تومان کافی باشد سابقاً هم همین خود پیشنهاد شده بود و مذاکره شده زیاد است .

حاج عز الممالک - در راپورت کبسیون سابق هینطوریکه می فرمائید پنجاه تومان نوشته شده بود ولی با توضیحاتی که معاون وزارت معارف در کبسیون بودجه دادند و تقریباً از روی عدد حساب کردند صد تومان زیاد نیست بدلیل اینکه این شاگردما با کاری که نباید حرکت بکنند و در

اروپا هم در درجه دوم ترن مسافرت می کنند تا ورود آنها بیاریس با این ترتیب کمتر از يك صد تومان نخواهد شد نه خیلی مجلل خواهند بود و نه خیلی بیست میروند .

ارباب کبخی سرو - بنده خواستم بدانم که این میزان صد تومان را تا کجا گرفته اند چون مخبر گفتند تا بیاریس و حال اینکه بنا نبود که تمام اینها بیاریس فرستاده شود شاید لازم بشود که بعضی هاهم برونند بجای دیگر ازین جهت عقیده شخصی بنده این است که نباید نظر بيك نقطه نظر کرد بنده در این میزان که معین کرده اند حرفی ندارم ولی در این کبیك نقطه فرستاده شود مخالفم

حاج عز الممالک - در يك نقطه بودنشان را بنده حالا نمیتوانم دفاع بکنم لیکن از روی حساب نقاط دیگر هم بیاریس معارج حرکت مساوی است حالا این اعتباری است که بوزارت معارف داده میشود که بفرانسه روسیه و آلمان و سایر جاهائی که خودشان لازم میدانند بفرستند .

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) رای می گیریم بماده چهارم که ارباب و ذهاب را سه هزار تومان برای شاگردان معین کرده است آقایانی که با این ماده موافقت ورقة سفید خواهند انداخت (اوراق رای اخذ شد . آقای حاج میرزا رضا خان بقراردیل استخراج نمود ورقة سفید ۵۴)

رئیس - با اکثریت ۵۴ رای تصویب شد (تصویب کنندگان) صدر العلماء . آقا شیخ ابراهیم حاج محمد کریم خان . انتظام الحکماء . معاضد السلطنه شیبانی . حاج سید نصرالله . آقا شیخ علی شیرازی دکترا اسمعیل خان . آدینه محمدخان . دکترا علی خان . دکترا حاج رضاخان . دکترا حیدر میرزا . آقا میرزا ابراهیم قلی . آقا سید محمد رضا . لسان الحکماء . بهجت . ادیب التجار . علی زاده . آقا سید حسین اردبیلی . آقا میرزا داودخان . حاج هز الممالک آقا میرزا احمد . ابوالقاسم میرزا . ارباب کبخی سرو ضیاء الممالک . افتخار الواعظین . منتصر السلطان آقا میرزا مرتضی قلیخان . ناصر الاسلام . عز الملک آقا شیخ غلامحسین . فهیم الملک . معاضد الملک . حاج میرزا رضاخان . آقا میرزا ابراهیم خان . معتمد التجار . وحید الملک . میر السلطان . محمد هاشم میرزا . آقا شیخ رضا . دکترا میرزا اسدالله خان . نجات . ذکاء الملک . حاج شیخ الرئیس .

نجات - ذکاء الملک . حاج شیخ الرئیس .

(ماده پنجم بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - مبلغ دو هزار تومان اعتبار برای يك نفر سرپرست سالیانه داده میشود .

آقا سید حسین اردبیلی - مسئله سرپرست و این وجهی که برای اوقاف خواسته شده است يك قدری تأمل لازم دارد بجهت اینکه ما باید بدانیم که این سرپرست برای چیست وجه کاری از او ساخته است و آیا ممکن است کس دیگری مقصدی این کار و مباشر همان مواظبتی که ما از سرپرست متوقع هستیم بشود یا اینکه ممکن نیست البته احتیاجی را که ما برای سرپرست احساس کرده ایم از این راه بوده است که تصور میشود اگر یکمده مصیبتی از ایران

بآنجا فرستاده شود ممکن است به اقتضای آزادی که در آنجا هست آنطوریکه لازم است مواظبت در تحصیلات خودشان نداشته باشند و يك مقداری از وقت آنها ضایع شود و لازم است که یکسری دیگری برای مواظبت اخلاق و ترتیب تحصیلات آنها معین بشود و این هم بواسطه تجارت و امتحاناتی بوده است که گمان می کردیم که بعضی مصیبتی که از ایران بآنجا میرفتند مواظبت در وظایف تحصیل خود نمیکردند لیکن يك چیز دیگری که اینجاست این است که آنها از طرف دولت فرستاده نمیشوند معلوم است که از طرف متولین و سرمایه داران فرستاده میشوند و از طرف نماینده های رسمی دولت ایران یعنی سفارت خانه های ما که در جاهای معظم خارجه هستند مواظبتی نمیشود و اهمیتی نمیدانند ولی در صورتی که مایک عددا از طرف دولت ایران میفرستیم این عنوان و اهمیت مخصوصی خواهد داشت و ممکن است که سفارت ایران مواظب حال آنها باشد شاید بعضی از آقایان بفرمایند که سفارت ایران آنقدرها مجال نخواهد داشت که رسیدگی بکنند یا این که این اشخاص در جاهای مختلف خواهند بود و يك نماینده رسمی نمیتواند در نقاط مختلف بآنهار رسیدگی کند و حال اینکه بنده می توانم هر مانع و مظلوری که برای سفرا تصور می کنید برای سرپرست ثابت کنم بجهت اینکه یکسری پرست متلاجه خواهد کرد این شاگردما در چند مدرسه که در نقاط مختلف است خواهند بود و این شخص البته نمیتواند که در تمام مختلف بیرون در تمام آنجاها و سرپرستی اینها را بکنند و گمان میکنم همان اندازه مواظبت و فایده را که ما از یکسری سرپرست منتظر هستیم از نماینده ها و سفارت های رسمی دولت ایران ساخته است و آنها میتوانند بعال این عده شاگرد رسیدگی و مواظبت داشته باشند و هیچ در این موقع ضرورت ضیق مالی لازم نیست که يك دو هزار تومان هم بيك نفر سرپرست بدیم این است که بنده این اعتبار دوازده هزار تومان را از نام میدانم

نجات الدوله - گمانم این است که تجربه با خیلی خوب نمایانند که اشخاصی که بی سرپرست رفته اند چه نوع تحصیل کرده اند و بر کشته اند از این گذشته نادرات که بعضی خودشان يك جوهر ذاتی داشته اند و رفته اند تحصیل کرده اند سرپرست بدو جهت لازم است اولاً اینکه اینها اخلاقشان فاسد نمیشود و اگر بفرمایند که اینها در مدرسه هستند در مدرسه اخلاق فاسد نمیشود بنده عرض میکنم که اینها تمام اوقات که در مدرسه هستند و اخلاق در معاشرت و حرکت کردن فاسد نمیشود در مدرسه که مسئله اخلاقی نیست وقتی که بیرون رفتند در گردش وسیع نظر اخلاق آنها فاسد نمیشود سفرا ما بهیچ وجه نمی توانند رسیدگی بکنند بجهت اینکه آنها مأمور رسمی دولتند و ناچارند که برای این کاریکی از منتشی های سفارت را مواظب این کار بکنند آنهم سکه دانش نسخته است که صعباً رسیدگی بکنند ولی اگر يك نفر از اینجا بعنوان سرپرست معین شود و برود که به بنده اینها مشغول چه تحصیل هستند تحصیلشان بکجا رسیده است البته بهتر است و آنکه اینها را که خواهند فرستاد بکجا خواهند فرستاد و تا کی خواهند فرستاد و سی نفر شاگرد که سفارتان مختلف است معلوم نیست که بچه شکل

بآنجا خواهند رسید پس بعقیده بنده سرپرست که دو هزار تومان باو میدهند شاید بقدر سدهزار تومان یاصد کرد شرف برای این هافایده داشته باشد .

دکترا حیدر میرزا نماینده عرض میکنم اگر این سی نفر شاگرد بنا بود در يك شهر و در يك محل بروند تحصیل بکنند احتیاج سرپرست برای آنها تصور نمیشود ولی در صورتیکه اینها باید معلوم مختلفه بخواهند استه مختلفه بدانند ناچار ایرا کنند میشوند بنقاط مختلف اروپا اگر بخواهند یکسری سرپرست برای آنها معین بکنند باید پنج شش هزار تومان معارج از برای او معین بکنند تا اینکه سوار شود و بنقاط مختلفه که اینها هستند بروند و از وضع تحصیلشان مسبق بشود علاوه بر این اینها سکه میروند برای تحصیل بخارجه تحصیلات ابتدائی خودشان را کرده اند و آنجا سکه میروند نباید بهم باشند و حرف بنزد دربار سکه تحصیل علم هر قدر که بزبانست مانوس تر باشد البته آن علم را بهتر می فهمد و وقتیکه اینها دور هم جمع بشوند مثل این است که بهتر فرنگ رفته اند و يك معلم اردبائی برای خودشان آورده اند و یا اینکه در اینجا باشند چندان فرقی ندارد و یکسری سرپرستی هم که اینها راجع بکنند بعهود می ناچار ایرانی است علاوه بر این باید هفت هزار تومان را افلا بر سرپرست داد که وقتیکه اینها بروند سکه شدند در شهرها ان سرپرست بتواند رسیدگی بعال آنها بکنند دوسیه درس آنها را برسد پروگرام تحصیلات آنها را برسد والا اگر غیر از این باشد چگونه می تواند این سرپرست بآنجا رسیدگی بکنند و يك تربیتی هم که بهتر از سرپرست از آن نتیجه بیرون این است که اولاً شاگردما در هر مدرسه سه مستند يك دوسیه و يك کتابچه علمی دارند که هر سه ماه ترتیب تحصیلشان در آنجا ثبت است و در هر يك از مراکز اروپا دولت ایران يك نماینده دارد و هر کدام از آنها هم چهار پنج نفر شاگرد بیشتر از طرف دولت سیرده می شود و آن نماینده کتابچه اعمال آنها را می تواند به بیست و همة قسم میتواند در آن مدرسه که آنها هستند رسیدگی بکنند و يك خرج فوالماده هم فراهم می آید مگر اینکه کبسیون بگوید این سی نفر را میخواهیم در يك شهر و در يك مدرسه بگذاریم تا اینکه يك نفر سرپرست بتواند بشمار آنها رسیدگی بکنند والا سی نفر شاگرد هر چند نفر شاگرد باید نمیشود و اگر بفرمایند که اینها در مدرسه هستند در مدرسه اخلاق فاسد نمیشود بنده عرض میکنم که اینها تمام اوقات که در مدرسه هستند و اخلاق در معاشرت و حرکت کردن فاسد نمیشود در مدرسه که مسئله اخلاقی نیست وقتی که بیرون رفتند در گردش وسیع نظر اخلاق آنها فاسد نمیشود سفرا ما بهیچ وجه نمی توانند رسیدگی بکنند بجهت اینکه آنها مأمور رسمی دولتند و ناچارند که برای این کاریکی از منتشی های سفارت را مواظب این کار بکنند آنهم سکه دانش نسخته است که صعباً رسیدگی بکنند ولی اگر يك نفر از اینجا بعنوان سرپرست معین شود و برود که به بنده اینها مشغول چه تحصیل هستند تحصیلشان بکجا رسیده است البته بهتر است و آنکه اینها را که خواهند فرستاد بکجا خواهند فرستاد و تا کی خواهند فرستاد و سی نفر شاگرد که سفارتان مختلف است معلوم نیست که بچه شکل

معضد السلطنه . حاج سید نصرالله . آدینه محمدخان . متمم التجار . شیبانی . آقا شیخ علی شیرازی . ادیب التجار . دکترا علیخان . دکترا اسمعیل خان . آقا میرزا ابراهیم قلی . آقا میرزا مرتضی قلی خان . لواء الدوله . بهجت . معاضد الملک . آقای میرزا رضای مستوفی . آقا میرزا ابراهیم خان . حاج هز الممالک . معز الدوله . مشیر حضور . افتخار الواعظین طباطبائی . حاج محمد کریم خان . آقا محمد بروجردی حاج شیخ اسدالله . حاج میرزا رضاخان . آقا میرزا اسدالله خان . دکترا میرزاخان . ذکاء الملک . کاشف [آقایانی که رد کردند]

عز الملک . منتصر السلطان . حاج سید ابراهیم لسان الحکماء . تربیت . آقا شیخ غلامحسین . فهیم الملک . معادل الدوله . آقا میرزا رضاخان . ابوالقاسم میرزا . آقا شیخ رضا . علی زاده . آقا سید حسین کزازی ارباب کبخی سرو . آقا میرزا داودخان . حاج شیخ الرئیس . حاج شیخ علی . دکترا حیدر میرزا . آقا سید محمد رضا . حاج وکیل الرعایا . آقا سید حسین اردبیلی . صدر العلماء . سلیمان میرزا . آقا شیخ ابراهیم . نجات . ذکاء الملک .

حاج عز الممالک - اگر ممکن بود که این ماده را تجزیه بکنیم و در کتب این راپورت رای بگیریم بعقیده بنده خیلی خوب بود چون این مسئله مدتی است که بیجلس آمده است و لازم است که زودتر بگذرد حالا مسئله سرپرست ممکن است همانند که بعد در خصوص آن مذاکره بکنیم .

رئیس - بنده که نمی توانم این ماده را خارج بکنم وزیر این ماده را پیشنهاد کرده است حالا بایاید وزیر آنرا مسترد بدارد و خارج بکنند یا کبسیون - راپورت کبسیون عرایض و مرخصی است خوانده می شود (بعبارت ذیل قرائت شد) بتاريخ ۲۹ شهر ربیع الثانی . آقای دکترا امیر خان بشرح عریضه مورخه ۲۷ ربیع الآخر در باب تشکیل کنفرانس حفظ الصحه بین المللی در بیاریس و تصویب مجلس حفظ الصحه دولتی در مأموریت خودشان بکنفرانس مزبور از کبسیون عرایض و مرخصی تقاضای هفتاد و پنج روز مرخصی نموده بودند کبسیون نظریه بسوابق اطلاعات ایشان و مأموریتی سکه در کنفرانس سابقه از طرف دولت ایران داشته اند و به ملاحظه اینکه این مأموریت سیاسی و در برابر مقرری و مواجب دولتی نیست فقط برای بیان ذائق علمی و مناسبات

رئیس - چهارده نفر از آقایان اجازه نطق خواسته اند و این هم يك مطلبی نیست که تازه وارد شده باشد این دفعه سیم است که بیجلس آمده است و مذاکرات در آن خیلی شده است .

دکترا اسمعیل خان - تصور میکنم که درست دفاع نشده باشد و اگر رای بگیریم اذمان آقایان مژده نباشد .

رئیس - پس رای میگیریم در اینکه مذاکرات کافی است یا کافی نیست آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند - با اکثریت ۴۰ رای تصویب شد که مذاکرات کافی است) حالا رای میگیریم بماده دوازدهم کبسیون که تصویب کرده است سالیانه دوهزار تومان برای يك نفر سرپرست اعتبار بوزارت معارف داده شود - آقایانی که موافقت ورقة سفید و آقایانی که مخالفند ورقة سفید خواهند انداخت (اوراق رای اخذ شده و آقای حاج میرزا رضاخان از فرار ذیل استخراج نمود . ورقة سفید ۲۹ ورقة آبی ۲۶)

رئیس - لا ینجل می ماند [آقایانی که تصویب کردند]

معاضد السلطنه . حاج سید نصرالله . آدینه محمدخان . متمم التجار . شیبانی . آقا شیخ علی شیرازی . ادیب التجار . دکترا علیخان . دکترا اسمعیل خان . آقا میرزا ابراهیم قلی . آقا میرزا مرتضی قلی خان . لواء الدوله . بهجت . معاضد الملک . آقای میرزا رضای مستوفی . آقا میرزا ابراهیم خان . حاج هز الممالک . معز الدوله . مشیر حضور . افتخار الواعظین طباطبائی . حاج محمد کریم خان . آقا محمد بروجردی حاج شیخ اسدالله . حاج میرزا رضاخان . آقا میرزا اسدالله خان . دکترا میرزاخان . ذکاء الملک . کاشف [آقایانی که رد کردند]

عز الملک . منتصر السلطان . حاج سید ابراهیم لسان الحکماء . تربیت . آقا شیخ غلامحسین . فهیم الملک . معادل الدوله . آقا میرزا رضاخان . ابوالقاسم میرزا . آقا شیخ رضا . علی زاده . آقا سید حسین کزازی ارباب کبخی سرو . آقا میرزا داودخان . حاج شیخ الرئیس . حاج شیخ علی . دکترا حیدر میرزا . آقا سید محمد رضا . حاج وکیل الرعایا . آقا سید حسین اردبیلی . صدر العلماء . سلیمان میرزا . آقا شیخ ابراهیم . نجات . ذکاء الملک .

حاج عز الممالک - اگر ممکن بود که این ماده را تجزیه بکنیم و در کتب این راپورت رای بگیریم بعقیده بنده خیلی خوب بود چون این مسئله مدتی است که بیجلس آمده است و لازم است که زودتر بگذرد حالا مسئله سرپرست ممکن است همانند که بعد در خصوص آن مذاکره بکنیم .

رئیس - بنده که نمی توانم این ماده را خارج بکنم وزیر این ماده را پیشنهاد کرده است حالا بایاید وزیر آنرا مسترد بدارد و خارج بکنند یا کبسیون - راپورت کبسیون عرایض و مرخصی است خوانده می شود (بعبارت ذیل قرائت شد) بتاريخ ۲۹ شهر ربیع الثانی . آقای دکترا امیر خان بشرح عریضه مورخه ۲۷ ربیع الآخر در باب تشکیل کنفرانس حفظ الصحه بین المللی در بیاریس و تصویب مجلس حفظ الصحه دولتی در مأموریت خودشان بکنفرانس مزبور از کبسیون عرایض و مرخصی تقاضای هفتاد و پنج روز مرخصی نموده بودند کبسیون نظریه بسوابق اطلاعات ایشان و مأموریتی سکه در کنفرانس سابقه از طرف دولت ایران داشته اند و به ملاحظه اینکه این مأموریت سیاسی و در برابر مقرری و مواجب دولتی نیست فقط برای بیان ذائق علمی و مناسبات

رئیس - چهارده نفر از آقایان اجازه نطق خواسته اند و این هم يك مطلبی نیست که تازه وارد شده باشد این دفعه سیم است که بیجلس آمده است و مذاکرات در آن خیلی شده است .

دکترا اسمعیل خان - تصور میکنم که درست دفاع نشده باشد و اگر رای بگیریم اذمان آقایان مژده نباشد .

نزول صدی دوازده و نیم ازدولت بغداد و بهر قیامتی که می خواهد انتشار بدهند و بنده این را نه فقط یک نوع ضرر اخلاقی برای دولت می دانم بلکه یک ضرر مادی هم چنانچه سابق عرض کردم از چهارصد تا ششصد هزار تومان بحسابهای مختلفی که خود بنده کرده ام متوجه دولت خواهد شد از برای اینکه این اوراق استقراض دولت ایران است و روی هر کدام صدایه نوشته شده است و احتمال کلی می رود که هر کدام به ۹۷ یا ۹۸ برسد از برای اینکه محل این استقراض یک معنی است که فوق العاده مرفوب است و یک وثیقه ایست که بهتر از آن برای صرفا ممکن نمی شود سابقاً اظهار شد یعنی مخبر که بیستون یک اشاره فرموده بودند راجع باعتبار دولت که سایر دول اعتبارات دارند و از روی آن اعتبارات اسناد آن ها خیلی خوب فروش می رود دولت ایران چون آن اعتبار را تحصیل نکرده است شاید می تواند اوراق - هادرا ب قیمت مناسب و خوب بفروش برساند در آنوقت بنده آن ابراد را رد کردم حالا هم عرض می کنم که این وثیقه استقراض یک وثیقه خیلی خوبست فرض بفرمایند که یک انگشتر بر لبان در دست هر کسی باشد او را ببرد بی آنک و در بقای آن پول بخواهد بانک در بقای آن وثیقه پول می دهد شخص کاری ندارد می خواهد متحول باشد یا اینکه فقیر باشد اعتبار شخص داشته باشد یا نداشته باشد پس در مقابل این معطای وثیقه مانبا بد ملاحظه کنیم که اعتبار دولت ما این قدرها نیست که وره سهام بیش از صدی پنج شش نزول درجانی مثل لندن بفروش برسد بنده باز تکرار می کنم که اینجا با بانک باید فقط معامله دلای کرد بانک شاهنشاهی بر عهد می گیرد که دوازده هزار و پانصد وره استقراضی باسم دولت ایران در لندن انتشار بدهد و بفروشد مخارجی که بر آنها تعلق می گیرد دولت خودش بدهد یعنی هر مخارجی که بشود آن را تصدیق کردند و لابد یک مخارج فوق العاده نخواهد بود و یک حق دلای متعارف هم از دولت بگیرد و آنوقت بهر قیمتی که فروخت فاصله آن نصیب دولت علیه ایران باشد هر قدر که بشود و بنده امیدوارم چنانچه عرض کردم از این معامله از چهار صد تا ششصد هزار تومان عاید دولت بشود این یکی و یکی هم راجع بسئله کمیسر است در اینجا تکرار نشده است که کسی سرپرستی و نظارت خواهد کرد و با نظارت کسی این دوازده هزار و پانصد وره در لندن انتشار پیدا میکنند بعضی چیزهایی که در ظاهر این اوراق نوشته خواهد شد توسط کسی خواهد بود باید یک نفر آنها از طرف دولت علیه ایران مأمور این کار باشد (حالا تفیش دیگر بسته بنظر دولت خود اوست) که با نظارت او این اوراق بطبع برسد و توسط بانک شاهنشاهی بفروش برسد بنده این نظریات خودم را کتباً پیشنهاد کرده ام و حالا تقدیم میکنم

(پیشنهاد مزبور را بزرگوارت تقدیم نمود)

حاج وکیل الرعایا - چون دیگر تکرار لازم نیست آنچه که از ابتداء عرض کردم این متمم از است عرض میکنم این استقراض شرایط را آقای

وحیدالملک قدری ناظم بیان کردند یکی از شرایط استقراض اینست که یک جهاتی از سرمایه داران آنرا بیه میکنند که ما باین قدر خالص بدولت میبیم و اگر بعد ترفی یا تنزل گردد بعهده خود آنها است و چنانچه فرمودند که ممکن است بنود و چهار یا بالاتر بفروش برسد بنده عرض میکنم که چون نزول صدی پنج را داراست ممکن است که بعد از سه چهار سال هر صد لیره بصدون پنج هم بفروش برسد لکن آن دیگر از قسمت ما خارج است ولی اسنادهایی که امروزه در بازار های صرافی معامله می شود اسناد دولتی صدی پنجم بفروش میرسد یعنی در صدی پنج می خرند لکن بهره آن صدی پنج را هیچ بدولت نمی دهند و عایدی صرفا است و قرضی که دولت روس بهشتاد و پنج گرفته است امروز بصد و پنج بفروش می رود لکن دولت روس آنرا بهشتاد و پنج بیه کرده است و آن صد و پنج دیگر قسمت سرمایه دارانست و از همین راه هم پول جمع کرده اند لکن باید بدانیم که این هشتاد و هفت و نیم تصد چه مخارج ثابتی در آن هست یکی از مخارج ثابتی که در این قرض هست استخلاص آن سند سابق است که در وقتش چهل هزار لیره پول بان داده اند و مرعش هم بیست و سه سالست که آنرا حالا چنین می گیرند و بدولت ایران تسلیم میکنند حالا قدر می دهند حد اقلش را که بگیریم پنجامه از لیره است و اگر پنجاه هزار لیره باشد صدی چهار بر آن افزوده میشود هشتاد و هفت و نیم می رود به نود و یک و نیم یک حداقل دیگر مخارج همان حق بیه است این حق بیه هم در دادوستدها و در این طور معاملات یک بیمی می شود آنهم کمتر از صدی یک و نیم نیست این صدی یک و نیم که با افزوده شود میشود صد و یک صدی یکی یعنی قریب صدی یک هم مخارج تمبر دارد که هیچ قرضی از آن معاف نیست در لندن استقراض دولتی که باشد باید آن تمبر بان بفور و آن پول را بدهند با مخارج مطبوعات و چیزهای دیگر که باید برای این اسهام استقراض طبع بشود و این تقریباً نود و چهار می شود و اگر اضافه از این نود و چهار شد آن را آن کسی که بیه کرده است می برد بنده دولت شاهنشاهی مربوط است و نه دولت ایران می تواند از آن زیادی یک استفاده بکند آنرا عیالاً مسدود است لکن خوشبختانه یک راه استفاده عمومی باز است خیلی راه خوبی است و آن این است که تمام ملت ایران هر کسی دارای صد لیره باشد می تواند امروز در این قرض اشتراک بکند یعنی یک سهم را او بفرد سابق اگر بعضی ها بودند که می گفتند ما می خواهیم پول بدهیم ولی اطمینان نداریم حالا چنانچه آقای وحیدالملک بیان کردند و صحیح هم گفته دیگر بهتر و بالاتر از این وثیقه نمی شود برای اینکه اول عایدات مملکت است همه صرفا ها عاشق یک مدیج معنی هستند و همیشه انتظار دارند که یک چنین معنی پیدا شود و یوایشان را در مقابل آن بدهند و حالا بیاییم و بسنجیم و ببینیم که ملت ما با یک همچو وثیقه حاضر می شود دولت را بدهد و این سه را که مردم و سرمایه داران دنیا در لندن میخرند بفرد و یک قدری هم ملت ایران با آنها شرکت میکنند برای اینکه این

قرض خیلی راهش باز است و برای آن کسی که بیه کرده است با آن توضیحاتی که بنده در این جا داده ام نود و چهار تمام می شود اما این را هم عرض کردم که چون تنزیل صدی پنج را دارا است ممکن است این بقدری ترفی بکند که بصدی پنج هم در بازار لندن بفروش برود و اگر امروز نشود من این انتظار را برای چند روز دیگر دارم که مسلماً خواهد شد چنانچه امروز می بینم که تنزیل صدی پنج است و آنها هم الان صدی پنج در بازار لندن میخرند و اینکه فرمودند خوب است بنده با آآوری می کنم قرض را که دولت عثمانی در (۱۹۰۸) گرفته است و الان قیمت آن در لندن هشتاد و دو و نیم است و قرضی را که در (۱۹۰۹) گرفته است الان قیمت آن هشتاد و سه ربع است منتهی چیزی که هست این است که او در صدی چهار گرفته است و ما در صدی پنج قرض دیگران هم هست که نمی خواهم اسم ببرم و امروز قیمتش پنجاه و سه است و همچنین فرضی را سراغ داریم و نمی توانم اسم ببرم که چهل است اینها فرع همان اختلافی است که فرمودند و فرع منظم رسانیدن اقساط است چنانچه منم این آرزو را دارم که بواسطه همین کار پول صدی دو و نیم و صدی سه و نیم و نود و هفت و نود و هشت یک روزی از برای این مملکت تهیه بشود و این کار را نه تنها بانک شاهنشاهی بلکه آقای وحیدالملک هم بتواند بکند و این از وقتی است که محل قرض و تر تیبش درست باشد و ما یک چند سالی در بازارهای صرافی یک قدری ماملاتمان باشد و بعد از آن که آقای وزیر مالیه قبول فرمودند که آن سند هم ضمیمه این قرض است بنده دیگر هیچ مخالفتی ندارم و این توضیحات را هم برای اطلاع آقایان اخیراً عرض کردم که همین طور که ممکن است که صدی پنج بشود به نظر ممکن است که صدی هشتاد و پنج شود و آنوقت اینهم بر عهد آن کسی است که آنرا بیه کرده است

وزیر مالیه - این سند لاتاری را که آقای وکیل الرعایا اظهار کردند جزء این هست

وحیدالملک - بنده باید عرض کنم که از این اظهارات آقای حاج وکیل الرعایا چیزی نفهمیدم و ایشان باینک سندیست و سمیعت فوق العاده باز است خیلی راه خوبی است و آن این است که تمام ملت ایران هر کسی دارای صد لیره باشد می تواند امروز در این قرض اشتراک بکند یعنی یک سهم را او بفرد سابق اگر بعضی ها بودند که می گفتند ما می خواهیم پول بدهیم ولی اطمینان نداریم حالا چنانچه آقای وحیدالملک بیان کردند و صحیح هم گفته دیگر بهتر و بالاتر از این وثیقه نمی شود برای اینکه اول عایدات مملکت است همه صرفا ها عاشق یک مدیج معنی هستند و همیشه انتظار دارند که یک چنین معنی پیدا شود و یوایشان را در مقابل آن بدهند و حالا بیاییم و بسنجیم و ببینیم که ملت ما با یک همچو وثیقه حاضر می شود دولت را بدهد و این سه را که مردم و سرمایه داران دنیا در لندن میخرند بفرد و یک قدری هم ملت ایران با آنها شرکت میکنند برای اینکه این

وحیدالملک - بهر طوری حساب فرمودند این را بنود و چهار قلمداد فرمودند ولی بنده چنانچه عرض کردم نمی توانم تصور کنم که ایشان فرمودند یک اعتباری قرار داده نقطه نظرم را تغییر بدهم مخارج این استقراض بقدر نیست که فرض فرموده اند این فقط یک بول تمبری خرج دارد و سایر مخارجی را که فرمودید آنقدر گزاف نمی شود قرضاً مخارج بیه هم وجود داشته باشد و اینقدر نیست که حضرتعالی میفرمائید مخصوصاً استادی بیه که روی استقراض دولتی اگر بشود که اینهمه مخارج بر دارد آنوقت بطور بتواند خود دولت انکلیس اوراق استقراضی انتشار بدهد با فرع صدی دو نیم یا صدی دو و یک ربع که هیچ هم نزول ندهد در مقابل یک مخارج خیلی خیلی کمی بطور میشود که وره اسهام ما از فراری که حضرتعالی فرمودید صدی شش و نیم مخارج بر دارد و وره اسهام دیگران آنقدر مخارج بر ندارد و دیگر آنکه بنده میدانم این مقدار را که فرمودند از کجا بدهد یعنی بیه با تمبر دولتی صدی یک یا اینکه خرج مطبوعات با صورت دیگر را که فرمودند بنده بقیه دارم که اینگونه مخارج این قدر گزاف نیست و شاید از صدی یک و نیم (اگر چه حالا نمیتوانم درست عرض کنم) تجاوز نکند و اگر صدی یک هم از برای دلای بانک قرار بدهیم این میشود صدی دو و نیم باز بنود تمام میشود و اگر شما بخواهید وره اسهام خودتان را خودتان بان ترتیبی که عرض کردم انتشار بدهید از چهار صد لیره اسهام در تهران تفاوت عمل دارید از اینجهت باز بنده استدعا میکنم که آن اصلاحی را که پیشنهاد کرده ام بخواهند بلکه قبول بشود

رئیس - اصلاح در موقع رای گرفتن خوانده میشود

حاج وکیل الرعایا - توضیحی دارم بخواهم عرض بکنم

رئیس - بفرمائید

حاج وکیل الرعایا - فرمودند که هشتاد و هفت و نیم ما می گیریم بطور شد که بنود و چهار رسید بنده گفتیم که اقلاً حد اقلش این است برای اینکه صدی چهار از برای بس گرفتن آن سند است

وحیدالملک - یعنی چه؟

حاج وکیل الرعایا - بنده میرسم بان و این یعنی چه را توضیح می کنم - صدی یک و نیم مخارج تمبر مطبوعات است

رئیس - عرض بکنم که این فرمایش شما توضیح نیست توضیح در صدی یک بدهید

حاج وکیل الرعایا - این را باید عرض کنم تا برسد بانجا

رئیس - عرض کردم این توضیح نیست

مفتی السلطنه - بنده موافقم و عرض میکنم که اظهاراتی که آقای وحیدالملک میکنند عین همان اظهاراتی است که در شور اول فرمودند و تصدیق خواهند فرمود که جوابهایی هم که داده شد کافی بود از برای اینکه قانع بشوند ولی در شور اول بنده خوب بظاظ دارم که در جواب آقای مخبر فرمودند که من بهیچوجه متقاعد نمیشوم پس کسیکه بهیچوجه متقاعد نشود بنده میدانم که مذاکره چه فایده دارد

وزیر داخله - بنده اگر تصور بکنم که فرمایشاتی را که آقای وحیدالملک فرمودند حقیقتاً پایه آن

فرمایشات و تکیه گاه آن بر اطلاعاتی است که ایشان از ترتیب جریان اینقسم امور در بازارها دارند و از مسائل اقتصادی است حقیقتاً ظلمی است که بر اطلاعات ایشان کرده ام بجهت اینکه بنده ایشان را خیلی با اطلاع تر در اینگونه مسائل میدانم همه آقایان خیلی خوب میدانند که امروز در تمام دنیا برای دولت علیه ایران یک قرضی بدون شرایط سنگین با شرایط تجارتنی سهلتر از این ممکن نیست و چنانچه در چند وقت قبل از این برای درسه دولت دیگر ممکن نشد و خوب میدانید که همیشه در همین مسائل یک بانک یا یک صراف خانه با اصطلاح یک (ایسین) می گردد از برای اینکه خروج آن استقراض بشود و البته این یک خارجی دارد که بنده حالا داخل در جزئیات آن نمیشوم و او هم علاوه بر آن مخارج یک منافی دارد برای اینکه اگر آن منافع را نداشت چرا میرفت از قبل دیگری آن اقدام را می کرد و باید یک (سوسیه) هائی یعنی از سرانها یک کمیاتی تشکیل شود که آنها هم بار قرار دادی در بین خودشان دارند و یک مخارجی دارند تا اینکه اوراق سهام را بمرض انتشار بیاورند و اگر نزول را از صدی دوازده و نیم که تصور میکنند زیاد است خوبست یک عطف نظری بکنند بقرض هائی که کرده اند و استقراض هائی که در این چند وقت اخیر واقع شده است همینطوری که آقای حاج وکیل الرعایا فرمودند هم ممکن است که سهام استقراض ترفی بکنند و هم ممکن است که تنزل بکنند بسته است باعتبار آن دولت مرتب رسانیدن اسطابوسته است باعتبار آن مهورات و اینکه فرمودند چطور بیه می کنند برای این است که در صد لیره هشتاد و هفت و نیم میدهند بدولت علیه ایران و مخارج هم بر عهد اوست و اگر هم ترفی بکند دولت علیه ایران یک ضرری برده است و بجهت اینکه البته سهام استقراض یک دولتی وقتی که ترفی بکنند اسباب ترفه و اعتبار آن دولت است ولی از آن منافع استفاده نمی کنند پس این بیه که قیمت اسهام ثابت میکند در حقیقت برای این است که آن ترفی و تنزل را بدهد گرفته است و برای اینکه هم البته تا یک منافی نداشته باشد این زحمات را نمی آید بکشند با نزول صدی دوازده و نیم که در این دورهها هیچ زیاد نیست خصوصاً که خودشان مطمئنند و آقای حاج وکیل الرعایا هم فرمودند که در ضمن این استقراض دولت از یک قید هم خلاص شده است و آنستکه مرهونات دارم که فرمودند که اگر یک پارچه الماس را بخواهند در من بگذارند در دست هر کسی که باشد فرق نمیکند بنده عرض میکنم چرا الماس را مثل بیاورند و ملاحظه بفرمائید که نسبت با وضع و احوال ترتیب آب و خاک و صاحب آن اعتبار آن ملک ترفی و تنزل میکنند باین مناسبت بنده عرض میکنم که این مرهونات را که دولت وثیقه میگذارد البته اول عایداتی است که دولت دارد و محل های بسیار خوبی است ولی چون از برای هیچ دولتی در این سنوات اخیر ممکن نشده است که با نزول صدی دوازده و نیم و منافع صدی پنج کمتر فرض بکنند اعتماد بنده این است که آقای وحیدالملک هم اصرار خواهند کرد در گذشتن این مسئله و همه ما با بنابر آن اطلاعاتی که داریم باید دانسته باشیم که دو کابینه و وزیران مسئله آنچه لازم است و دستور و رسدگی

پرده است و بعد از آنکه تمام این جزئیات از قبیل مخارج تمبر و مطبوعات و غیره که در اینجا مذاکره میشود بآن وقتی که لازم بوده است در هر دو کابینه به آن رسیدگی شده است و بعد از رسیدگی و ملاحظاتی که بنده باین شده است که این استقراض باین ترتیب بگذرد حالا البته مذاکره هیچ هیبی ندارد بنده عرض نمیکند که نباید مذاکره شود ولی این را بالاخره لازم میدانم عرض بکنم که خواه آن پیشنهاد قابل توجه بشود خواه قابل توجه نشود بهیچوجه اثری در اصل معامله نخواهد کرد باین معنی که یک شرط معینی را دولت با بانک کرده است و آن شرط معین و محدود است حالا اگر بخواهند پیشنهادی بکنند که آن شرط تغییر بکنند این معامله سر نخواهد گرفت پس عرض میکنم که در پیشنهاد میخوانند رای بدهند خوبست رای این بدهند که استقراض باید بشود یا نباید بشود

رئیس - مذاکرات کافی است [گفتند کافی نیست]

رئیس - پس رای می گیریم در اینکه مذاکرات کافی است یا کافی نیست آقایانیکه موافقت در اینک مذاکرات کافی است قیام نمایند (اغلب قیام کردند) با اکثریت چهل و سه رای تصویب شد که مذاکرات کافیست - اصلاحی آقای وحیدالملک پیشنهاد کرده اند خوانده میشود و بعد از آن رای می گیریم ببیارت ذیل خوانده شد

ماده ۱ - دولت مجازات که معامل دو کور و نیم لیره انگلیسی اسهام استقراض با فرع صدی پنج بیبشارت بانک شاهنشاهی در لندن انتشار بدهد [کمیسر مخصوص دولت از انتشار اسهام فروش آنها حق نظارت خواهد داشت] و حق الزحمه بانک از فراری صدی یک . . . با مخارج انتشار و فروش که آنها از طرف دولت علیه پرداخت خواهد شد

فهمیم الملک - بنده هر قدر که می خواهم خودم را راضی کنم باینکه تصور بکنم که آقای وحید الملک واقماً اطلاع ندارند نمی توانم یک پیشنهادی داده اند که بقیه دارم خودشان بهتر از بنده میدانند که ممکن نیست بجهت اینکه ترتیب استقراض امروز اساساً برای دولت ایران و سایرین تفاوت دارد اینرا میدانند که هیچ دولتی ممکن نیست مستقیماً اسهام طبع بکنند و در خارج آنها را بیک قیمت معینی بفروشد هر دولتی که بخواهد طرف بشود باینک دولت خارج برای استقراض ناچار است از اینکه با بانکهای خارج طرف بشود و از آنجا بخراند و این مسئله هم برای دولت ایران و سایر دول تفاوت دارد زیرا که سایر دول شعب مختلفه از بانکهای خارجه در ممالک خودشان دارند و هر وقت بخواهند به آنها طرف بشوند مقام رقابت درین می آید و قیمت اسهام تفاوت پیدا می کند در ایران اینطور نیست برای اینکه نرخ برات در ایران در دست دولت است و یک بانک نالی نیست که به آنها رقابت داشته باشد فقط یک موقعی برای رقابت در ایران پیدا شده و آن همین موقع بود که یک نفر خارجی پیدا شده و گفت حاضریم که این پنج

کرد یعنی این یک میلیون و دویست و پنجاه هزار لیره و با نزول صدی دوازده و نیم و فرغ صدی پنجم بدولت ایران فرض بدیم.

وزیر داخله و مالیه - آن شخص صدی پانزده گفت .

فهم الملك - همان رضایت او اسباب این شد که بانک حاضر شد که این را با نزول صدی دوازده و نیم و فرغ صدی پنجم فرض بدیم و چون رقبب اولی نتوانست رقابت بکند و این بود که دولت ایران ناچار شد با بانک معامله بکند امروز بانکهای خارج هم اگر بخواهند با شما معاملاتی بکنند ناچار باید رجوع بکنند با اطلاعاتی که این بانک ما دارند زیرا آنها رشته مخصوص در ایران ندارند و اگر هم بخواهند رشته مخصوص در ایران تاسیس بکنند برای این قروض جزئی ممکن نیست يك همچو كاری را بکنند حالا اگر يك قرض خیلی كلی دولت ایران بخواهد بکند آن يك مسئله است طبعه ولی در امثال این قروض جزئی ناچار باید بانک اینکار را بکند و در این مسئله هم که بانک مباشر آن خواهد بود برای این است که در حقیقت او يك واسطه است که این سهام را در خارج انتشار بدهد و الا این سهام را کی خواهد خرید که متولین و بانکها نخواهند خرید این سهام است بدست خواهد افتاد حق اینست که ممکن است کسانی که سرمایه چندانی ندارند مثلا هر پنج نفر جمع بشوند و يك سهم را بخرند و این اشخاص وقتی که می خواهند بخرند فرض بفرمائید يك ضمیمه در لندن هست و میخواهد يك سهم این را بخرند این چه میشود که دولت چه اعتباری دارد و در چه حال است بلکه شاید هم در روزنامهها بعضی از اوقات می خوانند که فلان نقطه ایران متشوش است یا فلان نقطه طور دیگر است و در این صورت در صورتی که در همان محل سهام را با نزول صدی هفت و هشت دیگری صدی پنجم می خرد او عاقل است که نیست بیاید سهم استقراض بکند دولت دوری را که اطلاع کاملی از آنجا ندارد با همان نزول و تنزیل خریداری کند باید يك چیزی او را وادار کند که بیاید این سهام را بخرد آن تطبیح است بواسطه آن طبع بقتند و بیایند این سهام را بخرند و در این صورت نرخ سهام بیشتر خواهد شد از آنچه معمول محل های خارجه است و بازم آنها کمی خواهند بخرند رجوع خواهند کرد بیک چیزی و يك سرمایه داری برای اینکه بدانند او در بازارهای ایران چه قسم معامله میکند و با او هم طرف خواهد شد و امروز هم فرضاً اگر بخواهند بکشاموردی از ایران بفرستند که اسرار را از او بخرند باین زودیه ازاو نخواهند خرید که از بانک میخرند ولی تجار ایران و بانک های معتبر حاضرند همان طور بکند فرمودند با دولت طرف معامله واقع بشوند اما این چیزی را که پیشنهاد کردند يك چیز خیالی است و اگر بشود خیلی خوب است ولی این بعد از اینست که شعب بانکی دیگری در اینجا تاسیس شود که بتوان در مقام رقابت آنها با يك بانک دیگر این کار را کرد و الا باین ترتیب

نمی خودشان تصدیق خواهند فرمود که غیر ممکن است .
وحید الملك - بنده مجبورم که در پیشنهاد خودم توضیح بدهم .
رئیس - بعد از خواندن پیشنهاد خودتان که میبایستی توضیح بدهید بنده احوال دیگر بموجب نظامنامه نمیتوانید - حالا بفرمایید بگویم (مجدداً فراتر شد) - آقایانی میشود برای میگوریم (مجدداً فراتر شد) - آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (فقط فرقه اقل قیام کردند) - در شد - چون بیش ازده نفر تقاضا کرده اند که در موضوع این استقراض رای علنی باوراق گرفته شود موافق نظامنامه هم این حق را دارند این است که با اوراق رای گرفته میشود (اسامی آقایانی که تقاضای رای علنی باوراق کردند) علی زاده . منتصر السلطان . آقا سید حسین اردبیلی . آقا سید جلیل . آقا میرزا داود خان . ضیاء الملك . آقا شیخ غلامحسین . آقا سید حسین کرمانی . نیر السلطان . آقا میرزا احمد قزوینی . ابوالقاسم میرزا . محمد هاشم میرزا . وحید . الملك . آقا شیخ ابراهیم زنجانی . میرزا محمد علی خان تربیت .
رئیس - آقایانی که موافقت با ماده اول را بورت کمیسیون به ترتیبی که خوانده شد ورقه سفید و آقایانی که مخالفند ورقه کبود خواهند داشت اوراق رای اخذ شده و آقای حاج میرزا رضاخان از قرار ذیل استخراج نمود ورقه سفید (۴۹) ورقه آبی [۱۸] .
رئیس - با اکثریت چهل و یک رای تصویب شد [کسانی که تصویب کردند]
فهم الملك . انتظام الحکماء . حاج محمد کریم خان . معاضد السلطنه . آقا میرزا ابراهیم قمی . لسان الحکماء . رکن الممالک . دکتر حبیب میرزا . متین السلطنه . طباطبائی . دکتر حاج رضا خان . حاج وکیل الرعایا . کاشف . حاج مر الممالک . افتخار الواعظین . معاضد الملك . آقا میرزا ابراهیم خان . آقا محمد بروجردی . حاج میرزا رضاخان . آقا ششمیلی شیرازی . آقا سید حسن مدرس . دکتر اسمعیل خان . مر المملك . آدینه محمد خان . ادب التجار . حاج مصدق المالك شیبانی . حاج سید نصر الله . معاد . وله . حاج شیخ اسدالله . ناصر الاسلام . مشیر حضور . آقا میرزا مرتضی علی خان . آقا میرزا رضای مستوفی . آقا شیخ محمد حسین . معز الملك . لواء الدوا . حاج شیخ رئیس . آقا میرزا علی اکبر خان . دهخدا حاج آقا . حاج سید ابراهیم . (کسانی که رد کردند) میرزا . آقا میرزا اردوخان . آقا سید حسن کرمانی . وحید الملك . ضیاء الملك . آقا سید جلیل . صدرالعلماء . محمد هاشم میرزا . آقا شیخ غلامحسین . آقا میرزا محمد علی خان تربیت . ابوالقاسم میرزا . آقا میرزا احمد . حاج محمد صادق . علی زاده . آقا سید حسین اردبیلی . منتصر السلطان .
رئیس - ماده دوم خوانده می شود از راپورت کمیسیون [بجایوت ذیل قرائت شد]

ماده دوم - ترتیب استهلاك و تأمین این استقراض از این قرار خواهد بود .
۱- وجه استهلاك از قرار صدی نیم بعد از پنج سال از تاریخ این استقراض تأذیه خواهد شد .
۲ - اعتبار این قرض همان اعتبار قرض سابق دولت بیانک شامشاهی خواهد بود موافق شرایط مندرجه در همان قرارداد مورخه اول حمل ۱۳۲۸ (یعنی اولین عایدات گمرکات جنوب بعد از وضع مغارجه که از این محل باید بشود) .
۳ - در صورتی که بانک شامشاهی راجع به عدم تأذیه اصل استقراض شرطی پیشنهاد نماید که بموجب آن دولت حق پرداخت کلیه وجه این استقراض را نامشغول نداشته باشد دولت مجاز است پیشنهاد خود را بپذیرد و در این مورد شرطی که در آن قرار داده اند مدت مزبوره از تاریخ امضای قرارداد استقراض تا پنج سال بیشتر نباشد
سلیمان میرزا - در اینجا درجه دوم از ماده ۲ نوشته شده است اعتبار این قرض همان اعتبار قرض سابق دولت است یعنی اولین عایدات گمرکات جنوب بعد از وضع مغارجه که از این محل باید داده شود بنده می خواستم بدانم که مقصود از این اعتبار سابق آیا همان تثبیت قرض سابق است که اینجا رهینه آن قرض رهینه این قرض خواهد بود یا قرض دیگری است یکی دیگر هم درجه سیم این ماده نوشته شده است مشروط بر اینکه بعد از پنج سال تأذیه این قرض خواهد شد آن روز هم عرض کردم حالا هم که ممکن است هیئت وزراء بتوانند این را دو سال قرار بدهند اگر تا دو سال قرار بدهند همان طوری که آقای وزیر مالیه فرمودند که اول ۱۰ سال بود مدتش بعد از آنکه مذاکرات زیاد کردند به پنج سال رسانیده شاید از اگر يك اقدام دیگری بکنند او را بدو سال برسانند و اگر بدو سال برسد همان طوری که عرض کردم یعنی مدت این کمتر باشد شاید بتوانیم که آنگاه قرض بزرگی بکنیم با يك قرض کمتری و تمام این قرض را ادا کنیم در صورتیکه فرع او و نزول او کمتر از این باشد خواستم به بندهم در آن جزء اول توضیحی بفرمائید که رفع اشکال بشود
وزیر مالیه - اینجا مقصود از این اعتبار همان اعتبار قرض تثبیت شده است اما در باب این که مدت این را دو سال قرار بدیم دولت اسامات خود را تمام نموده نارسانیده پنج سال کمتر از این دیگر ممکن نیست سابق هم عرض کردم که ۱۰ سال مدت بود حالا بعد از مذاکرات زیاد این مدت را آورده ایم تا پنج سال کمتر از این اگر بخواهیم بکنیم قبول نمی شود
وحید الملك - در ضمن شور اول وزیر خارجه يك اظهاری فرمودند راجع بقطعی بودن این موادی که پیشنهاد شده است یعنی اگر ما تعریب بکنیم یا بکنیم این آخرین چیزیست که با ما دارند و بنده آن روز عرض کردم که آیا ما می توانیم در این مواد مذاکره و بدین پیشنهادی بکنیم آقای رئیس فرمودند بلی برای همین مجلس آمده است ولی با از اظهارات آقای وزیر داخله هیچ معلومی نبود که اظهارات

وزیر امور خارجه تکرار می شود یعنی این آخرین چیزی است که ما میتوانیم بکنیم در این صورت بنده عرض می کنم تمام این اوقاتی که ما صرف می کنیم در شور این مواد تمام بی خود است و بنده می بینم هر نقطه نظری که در این مواد تعقیب بکنیم بکلی بوج خواهد بود یعنی برای چه وقت را صرف بکنیم اما باید بدانیم که این آخرین چیزی است که ما می توانیم داشته باشیم یا اینکه آن فرمایش آقای رئیس است که ما می توانیم شور در او بکنیم و می توانیم مواد اصلاحیه پیشنهاد کنیم و آنها می توانند بموقع قبول بیایند سابقاً عرض کردم در این موقع که این شرایط بما پیشنهاد شده است خالی از شرایط سیاسی نیست و الا بیکی بلکه بعد از آن از آن برمی خوریم یکی همین مسئله پنج سال است آن روز آقای مخبر فرمودند تمام استقراض ما يك مدت معین دارد که بعد از آن مدت شروع با استهلاك و تأذیه آن می شود بنده عرض می کنم که تقریباً تمام این استقراض ها این شرط را ندارد از چه نقطه نظری باید این شرط را داشته باشد از نقطه نظر تجارتي است اقتصادی است یا يك نقطه نظر دیگری که در آن ملحوظ است اگر از نقطه نظر تجارتي است بنده از آقایان میپرسم اگر بنده يك ورس سهمی را که صد لیره است و از یک دولت است بخرم به هشتاد و هفت لیره و نیم که هر سال بیایم آن را تصد و پنج لیره بگیرم این نمی شود عرض می کنم چرا بنده این را نتوانم اخراست بولی که داده ایم بنایم پس بگیرم از نقطه نظر تجارتي و اقتصادی صرفه ببرد چرا دست و پای شما را به بند چرباید شما نتوانید تا پنج سال دیگر این استقراض را بپردازید این از يك نقطه نظری باید باشد آنرا به بنده بفهمانید آقایان وزراء باید بگویند که این از چه نقطه نظریست که جهت دارد شخصی نتواند در آخر یکسال که هشتاد و هفت لیره و نیم داده شد و پنج لیره بگیرد کدام عاقل اینکار را نخواهد کرد این مسئله را برای بنده بشکافید اگر سیاسی است بفرمائید از چه نظر سیاسی اینکار شده است از برای چه از برای اینکه بنادر جنوب خودتان را می دهید بوقتی این استقراض و برای يك میلیون و ربع لیره آنرا توقیف می کنید تا مدت پنج سال و در این مدت پنج سال اگر دولت ایران مداومت در ترفی بکند (همین طور که نکرده است) آنوقت هر روز بر اعتبارات شما افزوده میشود و هر روز میتواند که يك استقراضی بکنند يك شرایط و فرغ کمتری چرا باید اینکار را بکنید که گمرکات جنوبتان را هم در اختیار ما بدهید در مقابل این استقراض و تلگرافخانه را هم سر باز و ضمیمه آنها می کند تا مدت پنج سال شما اعتباراتتان را توقیف می کنید بنده استدعا از آقایان دارم که این را از نقطه نظر بی طرفی از برای بنده بشکافند و باز آن قرض را که اول کردم تکرار می کنم اگر آقایان وزراء بفرمائید که این آخرین شرایطی است که پیشنهاد شده است و هیچ کم و زیادتی نمیتوانیم بکنیم محققاً اینقدر توضیح وقت لازم نیست اما اگر گفتگوئی است راجع به دادوستدی که ما هم میتوانیم بجزی بگیریم و بشویم و يك ترتیب صحیحی برای این استقراض بشود آنرا هم بدانیم بکلی فرق

می دهد مطلب را و اما در مسئله ثانوی آن روز بنده عرض کردم باز هم امروز تکرار میکنم اگر چه شاید بعضی بگویند که ما شاید نفهمیم اهمیت این شرایط را این را لازم نیست که بنده بشکافم از برای شما که يك استقراض مختصری که شاد دلندن می کنید و تمام بنادر جنوبتان را گروهی گذارید از برای اینکار بلکه خطوط تلگراف را هم سر باز این می کنید پس است از برای اهمیت این و لازم نیست بشکافم این ولی آن روز یکی از آقایان گویا آقای وزیر مالیه در جواب بنده فرمودند که این مسئله که اینجا افزوده شده است بر قرارداد های سابق این قرض که حالا تثبیت شده است بوده اولاً اینکه بنده میدانم که يك تثبیت استقراض بانکی شده باشد و به مجلس آورده باشد گویا در زمان سابق کابینه سه چهارم از هم یکی از این استقراض بانکی گویا بانک شامشاهی بوده تثبیت شده شاید شما بهتر بدانید ولی بمجلس شورای ملی اصلاً نیاورد بنده نمی دانم چه چیز را وثیقه آن قرار داده اند و اگر هم تمام این بنادر را در وثیقه آن استقراض قرار داده باشند اگر آن وقت آورده بودند مجلس شاید نظریات خود را عرض کرده بودم ولی بدتر از آن اینجا ذکر شده که هر ایجاد تازه در گمرکات بنادر بشود بر این اضافه خواهد شد یعنی اگر فردا گمرک کی در بعضی بنادر دیگر تاسیس شود آنگاه منضم باین خواهد شد و ترتیب تأذیه این وجه که بکلی فوق العاده است آنهم در قراردادی که باین منضم شده است يك ترتیب فوق العاده قرار داده شده است بنده نمی دانم که این نظراتی که ما داریم در يك استقراض خیلی مختصری که عبارت از يك میلیون و ربع لیره باشد چه نوع نظر حازرتی است که بيك محل هائیکه فوق العاده در دست داریم میکنیم از يك طرف نزول صدی دیگر تمویق انداختن پرداخت این قرض پنج سال تمام از طرف دیگر کرو گذاشتن تمام بنادر جنوب و سر باز کردن تمام تلگرافخانه ها آنوقت با این شرایط نمیدانم این يك میلیون و ربع لیره چه محل مصارفی دارد که این طور اهمیت بهم رسانیده است
رئیس الوزرا - عرض کنم در باب تلگرافخانه ها کمی فرمودند و وقتی که تلگرافخانه را بنده دوست هزار تومان قبول کردم آنوقت تلگرافخانه شما اعتبار پیدا کرد آمدند يك استقراض در وزارت عین السلوچه چهار هزار لیره از هند اروپا کردند آنها را وثیقه گذارند که وزیر مختار انگلیس آمد به بنده گفت که دولت ایران باید خیلی قدر شما را بداند که شما يك همچو محلی از برای ایشان پیدا کردید که بتوانند وثیقه این قرض فراد بدهید برای اینکه اشتباه نباشد که تلگرافخانه آنوقت وثیقه رفت این را عرض کردم (وحید الملك) تصدیق میکنم
وزیر امور خارجه - چون آقای وحید الملك فرمودند به نقطه نظر بی طرفی گفته شود (بنده هم استدعا میکنم که به نقطه نظر بی طرفی شنبه شود) حرف در این جا است که ما دو جزو حرف می زنیم يك مرتبه ظاهری است برای اینکه بفهمند و شاید

از آن استنباطی نکنند برای مقاصد شخصی که شاید اصل مقصود غیر از آن باشد و يك دفعه هم اقلیت اظهاری میشود از روی واقع حقیقت امر در این مسئله استقراض بنده آن دفعه هم عرض کردم که دو کابینه در آن مسئله اقدامات کرده اند و بطوریکه آقای فهم الملك در این جا اظهار کردند يك رقابتی در اینجا پیدا شد شما موفق شدید که این استقراض را با بنادر سهل بکنید (سندیکی) خارجی غیر از دو بانک اظهاری کرد از قرار صدی پانزده نزول صدی پنجم فرع و پس از پانزده سال شروع با استهلاك شود یعنی مدت پانزده سال بود و وقتی که این اظهار را کردند خیلی در این باب مباحثات میکردند وزراء که این مسئله اینطور انجام داده شد بعد از آن بانک انگلیسی در این موضوع اقدام کردند و حاضر شدند که این معامله را بکنند و مرحوم صنیع الدوله اظهار کرد که باید تفاوتی با آن معامله منظور شود نزول صدی پانزده را صدی دوازده نیم قرار داده ایم قبول کردند و همین تکلیف را باز با شخص اولی کردند و دیگر از قبول کرده اینکار را بکنند يك شخصی که در لندن با يك استمداد سرمایه داخل يك معامله می شود البته بهتر از ما می دانند که چطور داخل شوند و اگر صلاح و صرفه بوده و نمی توانست قبول کند هرگز نمی گذاشت این منفعت را کسی دیگر ببرد پس مسلماً اینطوریکه باید بوظیفه کار عملی شود نه کابینه حاضر بلکه کابینه سابق عمل کرده است جاهلانه داخل نشده که بی اطلاعات هم داخل نشود لذا اینهم که می گویند که این جا تمام عایدات جنوب را و امیکنداز مردم همه بدانند هم ما نکنداشتیم این کاری است که شده تلگرافخانه هارا هم پیش گذاشته اند هر کسی هم می خواهد بنده اجازه می دهم که عموماً بیاید در دفتر وزارت خارجه بنده به ایشان نشان بدهم که بدانند حالا نکنداشته اند و حالا يك کاری که شده است از کابینه سابق تا حالا چون اشته لزوم این معامله را می دانستند که يك وجهی برای احتیاجات فوری مملکتی تهیه کنند این بود که با همان وثیقه و با يك سرمایه که خیلی از دولی که می دانند شاید در اروپا وزراء آنها کمتر از این ترتیب نتوانستند قرض بکنند و حالا این ترتیب را داده و استقراض را برای شما کرده اند و اینک فرمودند ما خواستیم این جلو مذاکرات را ببندیم خیر اینطور نیست این جا مذاکره آزاد است ولی همین طور که توقع دارید که هیئت وزراء اقدام بکنند نه بخته و خام مرددانه کار را در مجلس نیاوردند ما هم عرض می کنیم که ما هم به تکلیف خودمان عمل کرده ایم و این کار را منتهی نموده و پیشنهاد کرده ایم شما که در مذاکرات داخل میشوید برای اینست که بتوانید نتیجه بگیرید که اینکار باید نشود به آن عیوباتی که ذکر می کنید یا اینکه باید بشود به آن محسناتی که ما ذکر می کنیم این برای این است البته تمام مطالب و اظهارات آزاد است هیئت وزراء بعد از مسامی زیادی که کرده است و در در کابینه اقدامات شده این کاری است که کرده و نتوانسته است تا آخر نقطه اقدامش را بکند و نتیجه اش را هم بمجلس بیاورد منتهی این است که نتیجه مذاکره در رد و قبول باید معلوم شود .

